



الزامات معدن کاری در عصر خشکسالی



برق آبی نصف شد

کارشناسان توسعه انرژی خورشیدی را
را حل فوری افزایش تولید می دانند؛ اما
قیمت گذاری...

صفحه ۲

فصله علم و تولید

سال ها است که از ارتباط دانشگاه و صنعت
صحبت می شود، اما در عمل این رابطه
تقویت نشده...

صفحه ۴

تجارت؛ قربانی پیچیدگی قوانین

در سال های اخیر، تردد و پیچیدگی قوانین
و مقررات در حوزه تجارت خارجی به یکی از
مهم ترین...

صفحه ۶

روزنامه سراسری اقتصادی ، اجتماعی
دوشنبه ۱۰آذر ۱۴۰۴
۱۰ جمادی الثانی ۱۴۴۷ | ۱۰ دسامبر ۲۰۲۵
شماره ۸۱۲
۸۰۰۰ تومان



عقب نشینی سه روزه بورس



امپراتوری جدید انرژی در شرق



ساینتتوب اسلحه پر به استقبال پرسپولیس می رود

الزامات معدن کاری در عصر خشکسالی

کریم حسن پور – آسمان در مناطق معدنی در طول سال های اخیر با افزایش گرد و غبار مواجه شده است. کاهش رطوبت خاک و از بین رفتن پوشش گیاهی در این مناطق، نه تنها کیفیت هوا را تحت تأثیر قرار داده، بلکه بهره برداری معدنی را هم پیچیده کرده است.

کارشناس، رعایت بازه زمانی مناسب برای بازنگری قوانین می تواند همگام با تغییرات جهانی و متناسب با شرایط داخلی ایران باشد.

عنصر گمشده در معدن کاری

معادن به طور مستقیم وابسته به منابع آب هستند و کاهش بارش در چند سال اخیر، این وابستگی را به یک بحران تبدیل کرده است. استخراج و فراوری مواد معدنی نیازمند مصرف آب بالاست و کمبود منابع سطحی و زیرزمینی، فعالیت های معدن کاری را با ریسک جدی روبه رو کرده است. حتی استفاده از سیستم های بازیافت آب، می تواند مقابله کامل با فشار کمبود را ندارد. کارشناسان پیشنهاد می کنند که برنامه ریزی بهره برداری معدنی باید بر اساس مدل های اقلیمی و سناریوهای خشکسالی باشد تا فشار بر منابع آب کاهش یابد. محدود کردن استخراج در مناطق با منابع آبی حساس و اولویت بندی فعالیت ها می تواند بخشی از راهکارهای مدیریت پایدار معدن کاری باشد. همچنین، هماهنگی میان مصرف آب معادن و فعالیت های کشاورزی و شهری ضروری است تا ریسک بحران آب در مناطق معدنی کاهش یابد.

دما بالاتر و تبخیر شدید

افزایش دما، یکی دیگر از چالش های معدن کاری است. داده های اقلیمی نشان می دهند که روند گرم تر شدن هوا در کشور بیش از دو برابر میانگین جهانی است. افزایش دما باعث تبخیر بیشتر منابع آب و خشک شدن سریع تر خاک می شود. این شرایط استخراج و فراوری مواد معدنی را دشوار کرده و خطر آسیب به اکوسیستم های اطراف معادن را افزایش می دهد. بازنگری قوانین بهره برداری معدنی باید شامل الزامات مدیریت منابع آب و خاک، محدودیت های زمانی برای فعالیت ها و الزام به بازسازی پوشش گیاهی باشد. بهره برداری معادن بدون توجه به تغییرات دما و تبخیر، نه تنها تهدیدی برای تولید و اقتصاد منطقه است، بلکه سلامت و رفاه جمعیت مجاور را نیز تحت فشار قرار می دهد.

زیستبوم در کنار معادن

معادن اغلب در نزدیکی جنگل ها و مراتع قرار دارند؛ اکوسیستم هایی که نقش حیاتی در تثبیت خاک و کاهش گرد و غبار دارند. کاهش بارش و افزایش دما فشار بیشتری بر این زیستبوم ها وارد کرده است و بهره برداری غیرمدیریتی، تخریب پوشش گیاهی و فرسایش خاک را تشدید می کند. کارشناسان پیشنهاد می کنند که قوانین معدن کاری جدید باید شامل محدودیت های مکانی و زمانی برای فعالیت ها، الزامات بازسازی پوشش گیاهی و حفاظت از خاک باشند. بدون این تدابیر، استخراج مواد معدنی در مناطق حساس می تواند به کاهش پایداری جنگل ها و مراتع منجر شود و اثرات منفی بر زیستبوم و جمعیت انسانی داشته باشد.

ضرورت بازنگری قوانین

تجربه و داده های اخیر نشان می دهند که قوانین موجود معدن کاری نیازمند بازنگری هستند. فشار تغییرات اقلیمی و محدودیت منابع آب و خاک، بهره برداری غیرقابل کنترل را به یک تهدید جدی تبدیل کرده است. بازنگری قوانین، شامل الزام به حفاظت از خاک و پوشش گیاهی، مدیریت پسماند، استفاده بهینه از منابع آب و محدودیت بهره برداری، می تواند معدن کاری را پایدار کند. کارشناسان پیشنهاد می کنند که این بازنگری ها هر چهار تا پنج سال یکبار انجام شوند تا قوانین همگام با تغییرات محیطی به روز باشند و امکان سازگاری با شرایط جدید فراهم شود. تنها با بازنگری دوروی و هوشمندانه قوانین، می توان استخراج معدنی را با حفاظت از محیط زیست هماهنگ کرد.

فرصت های اقتصادی و زیست محیطی

بازنگری قوانین معدن کاری و توجه به ملاحظات محیط زیستی می تواند فرصت های اقتصادی و محیط زیستی ایجاد کند. مدیریت منابع آب و خاک، کنترل پسماندها و بازسازی پوشش گیاهی، معدن کاری را همسوا با توسعه پایدار می کند. فعالیت های معدنی با رعایت ملاحظات زیست محیطی، علاوه بر کاهش تخریب اکوسیستم ها، تاب آوری مناطق پیرامون معادن را افزایش می دهد. تدوین سناریوهای اقلیمی، محدودیت های بهره برداری و برنامه های نظارتی، امکان هماهنگی معدن کاری با تغییرات اقلیمی را فراهم می کند و ریسک های احتمالی برای منابع طبیعی و جمعیت محلی را کاهش می دهد.

داده های سنجش از راه دور نشان می دهند که رطوبت لایه سطحی خاک در برخی مناطق کمتر از ۱۰ درصد شده و همزمان شاخص پوشش گیاهی نیز در محدوده های بحرانی قرار دارد. این شرایط باعث شده گرد و غبار با شدت بیشتری در محیط پراکنده شود و فعالیت های معدن کاری را با محدودیت های عملیاتی روبه رو کند. کارشناسان محیط زیست هشدار می دهند که بدون بازنگری قوانین معدن کاری و اعمال الزامات حفاظتی، استخراج مواد معدنی ممکن است به تهدیدی جدی برای اکوسیستم ها و سلامت انسانی تبدیل شود. محدود کردن فعالیت ها در دوره های خشک، بازسازی پوشش گیاهی و تثبیت خاک، راهکارهایی هستند که می توانند معدن کاری را با تغییرات اقلیمی سازگار کنند و فشار بر زیستبوم ها را کاهش دهند.

معدن و محیط زیست

کامران وکیل، عضو هیات نمایندگان اتاق ایران، در گفتگو با «دنیای اقتصاد» درباره تأثیر فعالیت های معدنی بر محیط زیست و چالش های قانونی این حوزه توضیح داد و گفت: معادن با وجود وسعت و نحوه عملکردشان، در مقایسه با دیگر فعالیت های انسانی مانند کشاورزی، شهرسازی و صنایع نفتی، کمترین اثر را بر محیط زیست دارند. او معتقد است بسیاری از برداشت های عمومی درباره تخریب کوهما و خشک شدن رودخانه ها بر اثر فعالیت های معدنی، بیشتر ناشی از دیدگاه های غیرکارشناسی و عوامانه است و نمی تواند به عنوان منبع اصلی مشکلات زیست محیطی کشور مطرح شود. به گفته وکیل، بخش عمده مشکلات زیست محیطی ناشی از ایجاد صنایع آبر در مناطق خشک است.

او افزود: معادن قابل جلب جایی نیستند، اما صنایع معدنی قابل انتقال و احداث در مکان های دیگر هستند. این نکته نشان می دهد که بسیاری از مسائل زیست محیطی قابل مدیریت و کنترل است، به شرط آنکه برنامه ریزی اقتصادی و مدیریتی دقیق صورت گیرد. این عضو هیات نمایندگان اتاق ایران به سلفقه برنامه ریزی در حوزه فولاد اشاره کرد و گفت: از دهه نود، کارشناسان به نیازهای آب، برق و گاز برای تحقق طرح های توسعه فولاد توجه کردند. باین حال، قوانین محیط زیست کشور که عمدتا به قبل از انقلاب بازمی گردد و حتی تغییرات پس از انقلاب نیز نتوانسته است بسیاری از نواقص را اصلاح کند و در سال های اخیر کارآیی لازم را نداشته است.

به عقیده این فعال بخش خصوصی، هم در مجلس و هم در بدنه سازمان محیط زیست، تخصص و اراده لازم برای اصلاح قوانین موجود دیده نمی شود و سازمان محیط زیست نیز به حاشیه رانده شده و گرفتار مسائل سیاسی و اجرایی شده است. او با اشاره به بودجه های نامدین محیط زیست و حضور مسئولان در رویدادهای جهانی، گفت: این اقدامات در مقیاس واقعی تأثیری بر حل مشکلات محیط زیست کشور ندارد و خسارت ناشی از عدم رعایت ضوابط محیط زیست در مقایسه با این هزینه ها بسیار بیشتر است.

به گفته وکیل، پیامدهای این سوءمدیریت شامل از بین رفتن دشت ها، نشست زمین، آلودگی هوا و ناترازی منابع آب و برق است که بر کل زنجیره توسعه کشور اثر می گذارد. وکیل بیان کرد: برای اصلاح وضعیت فعلی نیاز به یک «انقلاب واقعی» در قوانین و رویه های محیط زیستی است. او اشاره کرد که حتی در حوزه خودرو و مصرف سوخت نیز کشور با چالش مواجه است؛ خودروهای با مصرف بالا و آلاینده، به رغم رشد فناوری جهانی و استفاده از خودروهای برقی، همچنان



یکی دیگر از
چالش های
معدن کاری است.
داده های اقلیمی
نشان می دهند که
روند گرم تر شدن
هوا در کشور بیش
از دو برابر میانگین
جهانی است.
افزایش دما باعث
تبخیر بیشتر منابع
آب و خشک شدن
سریع تر خاک
می شود.

به محیط زیست شهری فشار وارد می کنند. او افزود: حتی استفاده از منابع انرژی جایگزین مانند برق تولیدشده با مازوت، تفاوت چندانی از نظر آلایندگی ندارد و مشکلات محیط زیست فراتر از این مسائل است. به باور این کارشناس، حتی اگر ضوابط قانونی تغییر کند، بدون عزم دولت و مدیریت قوی، تغییری در وضعیت محیط زیست رخ نخواهد داد. وکیل و اهمیت مدیریت پایدار منابع آب و انرژی در پروژه های صنعتی و معدنی اشاره کرد و افزود: برنامه ریزی بلندمدت و اقدامات کارشناسی، تنها راه جلوگیری از بحران های زیست محیطی است. به گفته او، وضعیت فعلی کشور ناشی از نبود برنامه مشخص و تکیه صرف بر روندهای طبیعی و تصادفی است و منتظر است که شرایط طبیعی مانند بارش باران یا باد مسیر توسعه را تعیین کند، بدون آنکه سیاست گذاری صحیح جایگزین شود.

در نهایت، کامران وکیل تأکید کرد که اصلاح قوانین محیط زیست و بازبینی ضوابط معدنی، بدون اراده سیاسی و تخصص کافی در بدنه اجرایی و قانون گذاری، نمی تواند تأثیر عملی داشته باشد. و ادامه وضعیت کنونی، خطرات جدی برای محیط زیست، منابع آب و توسعه صنعتی کشور به همراه دارد.

فشار بر صنایع و تأخیر در قانون گذاری

کیوان جعفری طهرانی، تحلیلگر ارشد بازارهای بین المللی فولاد و سنگ آهن، در گفتگو با «دنیای اقتصاد» درباره تغییرات محیط زیست و تأثیر آن بر صنایع مختلف بیان کرد: روند تغییرات محیط زیستی در دنیا با سرعت قابل توجهی در حال افزایش است و اهمیت آن هر ساله بیشتر می شود. او با اشاره به کنفرانس جهانی تغییرات اقلیمی CAP ۳۰ که اخیرا در برزیل برگزار شده گفت: این کنفرانس نشان می دهد که کشورهای مختلف در تلاش هستند سیاست ها و قوانین جدیدی را برای کاهش اثرات زیست محیطی تصویب کنند و این روند هر ساله تکرار می شود.

جعفری طهرانی افزود: یکی از شاخص های مهم که در این کنفرانس مورد بررسی قرار گرفته، مصرف زغال سنگ در جهان است. به گفته او، پس از دوران کرونا، مصرف زغال سنگ افزایش یافته و این موضوع عمدتا به نیاز صنایع فولاد و تولید برق در کشورهای چین و هندوستان مرتبط است. او توضیح داد که قوانین جدید زیست محیطی که در این کنفرانس ها تصویب می شوند، به تدریج طی پنج سال آینده مصرف زغال سنگ را کاهش خواهند داد و این مساله نشان دهنده اثر مستقیم تغییرات زیست محیطی بر صنایع بزرگ است.

او همچنین بیان کرد: ارتباط صنایع و معادن با محیط زیست نیازمند بازنگری مستمر قوانین است. در کشورهای خارجی، قوانین محیط زیست معادن اغلب هر سه سال یک بار بازنگری می شوند، در حالی که قوانین صنایع و کارخانه ها سالانه به روزرسانی می شوند.

به گفته این کارشناس، این تفاوت نشان می دهد که صنایع مصرف کننده انرژی، مانند کارخانه های فولاد و ذوب آلومینیوم، تحت فشار بیشتری برای رعایت استانداردهای زیست محیطی قرار دارند، اما معادن با تغییرات کندتری مواجه هستند.

جعفری طهرانی افزود: با توجه به سرعت پایین تر قانون گذاری و فعالیت های اقتصادی در ایران نسبت به کشورهای خارجی، بازنگری قوانین محیط زیست معدنی هر چهار تا پنج سال یک بار ضروری است و بازنگری سالانه نه تنها ضرورت ندارد بلکه عملیاتی هم نخواهد بود.

او در پایان گفت: توجه به قوانین زیست محیطی و هماهنگی با استانداردهای بین المللی نه تنها به حفاظت از محیط زیست کمک می کند، بلکه می تواند بهره وری و پایداری صنایع معدنی و تولیدی کشور را افزایش دهد. به باور این

 	▼ نحوه فروش سهام بانک آینده - تصویب شد
 	به تازگی سومین جلسه هیات گزیر بانک آینده و هیات‌مدیره صندوق ضمانت سپرده‌ها با موضوع نحوه فروش دارایی‌ها و سهام سهامداران بانک آینده برگزار شد. محمدرضا فرزین، رئیس کل بانک مرکزی در این جلسه حضور داشت و اعلام کرد که طبق قانون، هیات گزیر و صندوق ضمانت سپرده‌ها، دارایی‌ها و بدهی‌های بانک آینده سابق را با دقت و سرعت تعیین تکلیف می‌کنند. بر اساس قانون بر نامه هفتم و قانون بانک مرکزی، تمامی دارایی‌های غیرنقدشونده بانک آینده سابق از طریق صندوق ضمانت سپرده‌ها و شرکت مدیریت دارایی، پس از مر حله تعیین ارزشگذاری به فروش می‌رسد تا مطالبات ناشی از فعالیت‌های ناتراز بانک آینده سابق پرداخت شود. فرزین در مورد انتقال دارایی‌های نقدشونده، سپرده جاری و ذخیره قانونی بانک آینده سابق به بانک ملی ایران اعلام کرد طبق قانون صندوق ضمانت سپرده‌ها نقش اصلی در حمایت از بانک عامل در فرآیند گزیر را ایفا می‌کند تا از انتقال هر گونه ناترازی از بانک آینده سابق به بانک ملی ایران جلوگیری شود. بر این اساس سازوکار اتخاذ شده در قبال بانک ناتراز و ناسالم آینده، سازوکار ادغام نیست زیرا در موضوع ادغام، باید بانک با تمام ناترازی‌های خود به بانک ملی منتقل می‌شد اما در سازوکار اتخاذ شده کنونی، به شیوه‌ای عمل می‌شود که معادل سپرده منتقل شده به بانک ملی، منابع و دارایی‌های نقد بانک آینده سابق به بانک ملی ایران انتقال داده خواهد شد. بانک آینده در سال‌های دهه نود، با مسائلی همچون عدم برگزاری مجامع و عدم شفافیت مالی، پرداخت ملایم تسهیلات به پروژه‌های زیرمجموعه و با بازدهی پایین و همچنین عدم پاسخگویی سهامداران مواجه بوده است. به همین دلیل با ناترازی‌های مزمن و انباشت ریسک در ترازنامه مواجه بوده است. با این حال اولویت نخست صندوق ضمانت سپرده‌ها در فرآیند گزیر بانک آینده سابق استفاده از روش‌های متنوع برای فروش دارایی‌های تملک‌شده و نقد کردن دارایی‌ها است. بر این اساس تمام دارایی‌های سمی و غیرقابل نقدشونده بانک آینده سابق نیز مطابق تجربه جهانی توسط شرکت مدیریت دارایی‌ها (AMC) که در قانون برنامه پیش‌بینی شده است تعیین تکلیف می‌شود. بر اساس اعلام بانک مرکزی، کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی، به‌استثنای سهامداران عضو «هالک واحد» طبق فهرست اعلامی بانک مرکزی می‌توانند با مراجعه به یکی از شرکت‌های کارگزاری عضو فرابورس، نسبت به فروش و تکمیل فرم‌های مربوطه برای واگذاری سهام خود اقدام کنند و سهام آنها به بالاترین قیمت پایانی سهم در تابلوی فرابورس طی یک سال منتهی به تاریخ تصویب گزیر خریداری می‌شود. سهامداران به مدت یک ماه و از ۱۴۰۴.۰۸.۲۴ تا ۱۴۰۴.۰۹.۲۴ امکان فروش سهام خود را دارند. همچنین سفارش‌های فروش از حیت اعتبار زمانی، بدون محدودیت خواهند بود و چنانچه سهامداران در مهلت مقرر نسبت به ارائه درخواست و سفارش فروش اقدام نکنند، طبق مفاد مصوبه شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا، مدیر گزیر بانک آینده (در حال گزیر) مکلف است تمامی دارایی‌های بانک را مورد ارزیابی و فروش قرار داده و پس از تسویه بدهی‌های بانک به اشخاص و نهادهای ذی‌ربط، در صورت وجود هرگونه مصادرات دارایی‌ها بر بدهی‌ها، نسبت به پرداخت سهم سهامدارانی که سهام خود را نفروخته‌اند، اقدام کند.
 	▼ مدت گارانتی خودرو تغییر کرد پس از چند هفته توقف در ترخیص قطعات منفرصله خودرو از گمرکات کشور، سرانجام گمرک با صدور بخشنامه‌ای تازه، اجازه ترخیص موقت این قطعات را صادر کرد. بر اساس این بخشنامه که از سوی معاون فنی گمرک به گمرکات اجرایی کشور ابلاغ‌شده، ترخیص قطعات منفرصله مربوط به فصل ۹۸ را اخذ تمدنامه از صاحبان کالا به مدت دو ماه مجاز شناخته شده‌است. در این دستور تأکیدشده؛ واردکنندگان قطعات باید تعهد دهند در صورت هرگونه تغییر احتمالی در ارزش کالا یا مغایرت در محموله، مسوولیت آن را پذیرفته و مدارک لازم را در مهلت مقرر به کارگروه موضوع تبصره ۶ قانون خودرو ارسال کنند تا نسبت به صدور شناسه ارزش اقدام شود. بر اساس این ابلاغیه، ارزش نهایی تعیین‌شده توسط کارگروه مذکور، ملاک عمل گمرک در محاسبه حقوق ورودی و رفع تعهدات بانکی خواهد بود.تصمیم جدید گمرک در شرایط اتخاذشده که چندی پیش وزارت صنعت، معدن و تجارت را نامهای رسمی به گمرک اعلام کرده‌بود، ترخیص قطعات منفرصله خودرو به‌دلیل نبود شناسه معتبر در بانک اطلاعات ارزش موسوم به TCS متوقف شده‌است.این بانک اطلاعاتی، یکی از سامانه‌های کنترلی گمرک به‌شمار می‌رود که وظیفه آن تعیین ارزش پایه کالاهای وارداتی از جمله قطعات خودرو بر اساس یک تعرفه و داده‌های ثبت‌شده است. در واقع اگر یک قطعه از طریق این سامانه صحت ارزش‌گذاری اعلام‌شده توسط واردکنندگان را بررسی کرده و از کم‌اظهاری یا بیش‌اظهاری جلوگیری می‌کند. با این حال، ظاهراً در ماه‌های گذشته به‌دلیل اختلاف داده‌ها میان وزارت صمت و گمرک درباره نحوه ارزش‌گذاری قطعات CKD و DKK، بخش قابل‌توجهی از اطلاعات این بانک به‌روزرسانی نشده و بسیاری از شناسه‌ها از اعتبار



رمز گشایی از سقف تورم

مریم لطفی – رئیس کل بانک مرکزی در صحن علنی مجلس از سقف تورم نقطه به نقطه رونمایی کرد. رئیس کل بانک مرکزی که برای گزارش دهی از عمل به اهداف برنامه هفتم به مجلس رفته بود، برای دفاع از عملکرد خود در حوزه کنترل تورم اعلام کرد که نرخ تورم از پایان سال ۱۴۰۱ تا آذر ماه سال ۱۴۰۳ به طور مستمر در حال کاهش بوده است.

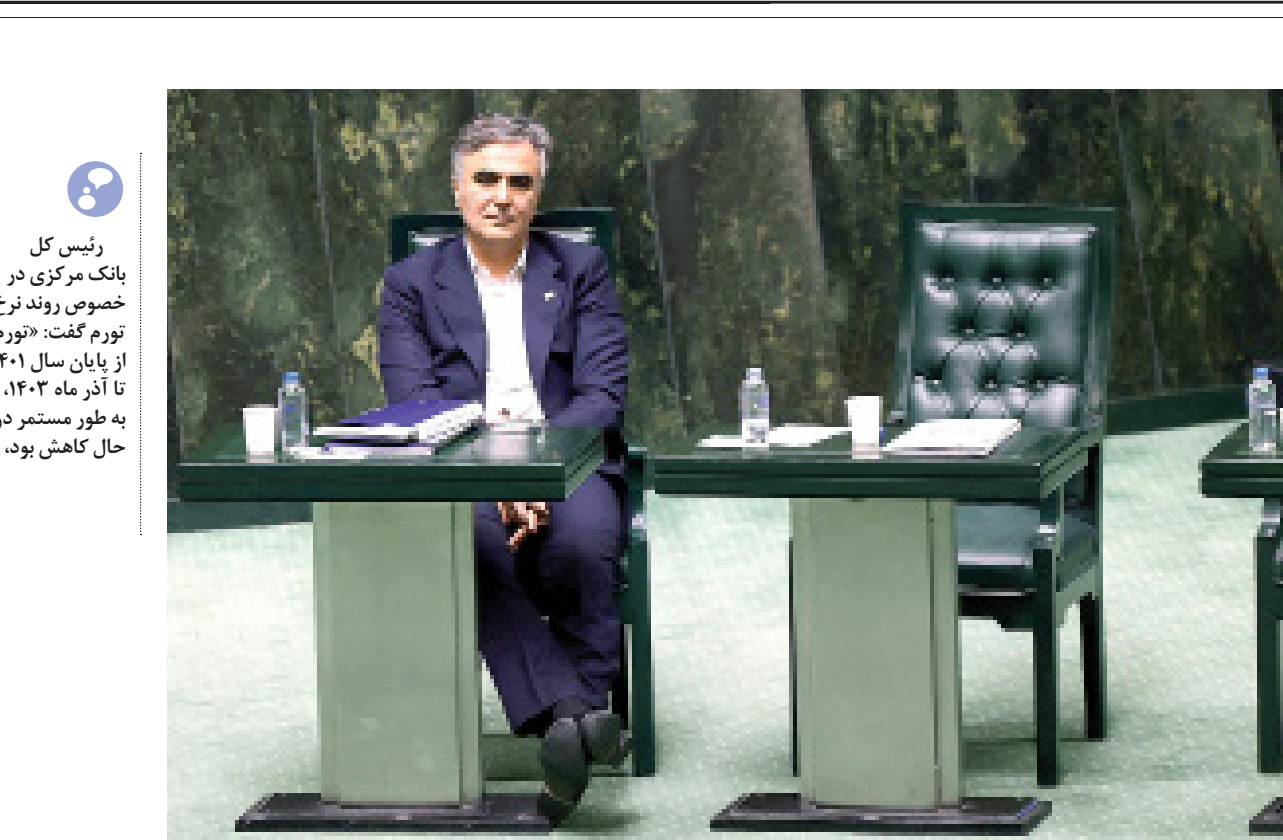
رئیس کل بانک مرکزی در صحن علنی مجلس از سقف تورم نقطه به نقطه رونمایی کرد. رئیس کل بانک مرکزی که برای گزارش‌دهی از عمل به اهداف برنامه هفتم به مجلس رفته بود، برای دفاع از عملکرد خود در حوزه کنترل تورم اعلام کرد که نرخ تورم از پایان سال ۱۴۰۱ تا آذر ماه سال ۱۴۰۳ به طور مستمر در حال کاهش بوده است؛ به طوری که تورم نقطه به نقطه از ۶۲.۴ درصد در اسفند سال ۱۴۰۱ به ۳۳.۸ درصد در آذر سال ۱۴۰۳ رسید. این‌ا اعلام رئیس کل بانک مرکزی، جزئیات جدیدی از سقف تورم نقطه به نقطه را مشخص کرد. طبق اعلام مرکز آمار ایران، تورم نقطه به نقطه در ماه پایانی ۵۴،۱۴۰۱ درصد اعلام شده بود. انتهای سال ۱۴۰۱ و ابتدای سال ۱۴۰۲، از نظر آمارهای مرکز آمار نیز بالاترین رقم ثبت شده تورم نقطه به نقطه طی دهه‌های اخیر است. بنابر این به نظر می‌رسد می‌توان رقم ۶۲.۴ درصد را به عنوان سقف تورم نقطه به نقطه اقتصاد ایران از دهه ۳۰ شمسی تاکنون معرفی کرد.

دو متهم اصلی افزایش نرخ تورم

صبح روز شنبه، رئیس کل بانک مرکزی در صحن علنی مجلس، صحبت کرد. محمدرضا فرزین در سخنان خود علاوه بر تشریح عملکرد بانک مرکزی در تحقق اهداف برنامه هفتم، از چند نرخ تورمی که تا پیش از این اعلام نشده بود، رونمایی کرد. فرزین همچنین دلیل افزایش تورم در سال گذشته و سال جاری را بیان کرد. به عقیده او دلیل افزایش نرخ تورم



معاملات ارزی به ۱۷۷میلیون دلار رسید



در سال گذشته، افزایش نرخ بازار ارز مرکز مبادله بوده و افزایش تورم در سال جاری به دلیل افزایش انتظارات تورمی رخ داده است. رئیس کل بانک مرکزی در خصوص روند نرخ تورم گفت: «تورم از پایان سال ۱۴۰۱ تا آذر ماه ۱۴۰۳، به طور مستمر در حال کاهش بود، نرخ تورم نقطه به نقطه از ۶۲.۴ به ۳۳.۸ درصد کاهش یافت. همچنین نرخ تورم سالانه از ۵۴ درصد به ۴۶ درصد کاهش یافت.» فرزین در ادامه اصلی‌ترین دلیل افزایش تورم در آذر سال گذشته را به افزایش نرخ ارز مرکز مبادله ایران مرتبط دانست و گفت: «از آذر ماه سال قبل تورم همزمان با افزایش نرخ ارز در مرکز مبادله ایران از حدود ۴۵ هزار تومان به ۷۰ هزار تومان، نرخ تورم نیز افزایشی شد.» با این حال، فرزین دلیل افزایش تورم در سال جاری را متفاوت از سال گذشته دانست. رئیس کل بانک مرکزی در سخنان خود افزایش نرخ تورم در سال جاری را به تشدید انتظارات تورمی به دلیل افزایش نااطمینانی‌های دوران جنگ و پس از آن مرتبط دانست. فرزین توضیح داد: «متأسفم به دلیل نااطمینانی‌ها پس از دوران جنگ و تشدید انتظارات تورمی ناشی از تکان‌های سیاسی و امنیتی، آثار پولی ناشی از اقدامات دولت بابت کسری بودجه و تأمین هزینه‌های دولت و افزایش قیمت خدمات دولتی، نرخ تورم افزایش یافته است.» همچنین طبق گفته فرزین، نرخ تورم سالانه مهر ماه بانک مرکزی، ۲۸.۹ درصد محاسبه شده است. رئیس کل بانک مرکزی اعلام نکرد نرخ تورم نقطه به نقطه از نظر بانک مرکزی به چه رقمی رسیده است، ولی نرخ تورم سالانه اعلامی دقیقاً مشابه نرخ اعلام شده

در روز دوشنبه ۱۹ آبان‌ماه ۱۴۰۴، معاملات ارزی به ارزش معادل ۱۷۶.۷ میلیون دلار توسط بازرگانان انجام شد. با انجام این معاملات، مجموع ارزش معاملات بازار ارز تجاری از ابتدای سال تاکنون به رقم ۱۷ میلیارد و ۹۲۷میلیون دلار رسید.همچنین مجموع دادوستدهای انجام‌شده در بازار ارز تجاری مرکز مبادله ایران در تاریخ ۱۹ آبان ماه، به تفکیک نوع از شامل ۱۲۰.۷میلیون دلار، ۱۰.۱میلیون درهم، ۳۳.۲میلیون یورو، ۸۸.۳میلیون یوان بوده است که ارزش دلاری مجموع این معاملات معادل ۱۷۶.۷ میلیون دلار برآورد می‌شود. بازار ارز تجاری در آذرماه سال ۱۴۰۳ رانمانداری شد. این بازار با هدف سازمان‌دهی بازار ارز بازرگانان در یک بازار رسمی، کاهش ریسک عدم تحویل ارز، مدیریت نرخ بازار ارز و افزایش پیش‌بینی پذیری اقتصادی، ارزی و تجاری آغاز به کار کرد.

بر اساس این گزارش مرکز مبادله ارز و طلای ایران، از ابتدای سال جاری تا ۱۹ آبان‌ماه ۱۴۰۴ مجموع ارزش معاملات بازار ارز تجاری مرکز مبادله ایران به ۱۷ میلیارد و ۹۲۷میلیون دلار رسیده است. همچنین حجم کل معاملات در این بازه زمانی، به تفکیک نوع ارز، ۹۳میلیارد و ۵۰۰میلیون درهم، ۴۳.۲میلیون یورو، یکمیلیارد روبیه، ۱۰۴میلیون وون، ۸میلیارد و ۲۰میلیون یوان، ۱۶۱میلیون یین و ۳میلیارد و ۴میلیون روبل بوده است.

ردپای گزیر در صورت‌های مالی بانک آینده



سرمایه بانک را به بیش از ۵۰۰ درصد منفی رساند، عواملی که بانک آینده را در رده ناترازترین موسسات اعتباری کشور قرار می‌داد. تمامی نکاتی که از صورت‌های مالی بانک آینده عنوان شد نه‌اینها نشانگر ردپای گزیر در گزارش‌های مالی آن بود. بانک آینده به‌رغم ناترازی عمیق، همچنان به فعالیت معمول خود ادامه می‌داد و به‌دلیل ابعاد و گستره عملیاتش، هرگونه مداخله در وضعیت آن می‌توانست آثار قابل‌توجهی بر اقتصاد کلان بر جای بگذارد و از این جهت مصداق بارز مفهوم بین‌المللی (Too Big to Fail) بود. با این حال، اقدام اخیر بانک مرکزی در جایگاه مقام ناظر با ظرفیت قانونی جدید ایجاد شده در قانون بانک مرکزی نشان داد که رویکرد نظارتی حاضر دیگر تسلیم چنین شرایطی نخواهد شد؛ زیرا سیاست «گزیر» در عمل برای جلوگیری از تداوم همین پدیده طراحی شده است و با حذف آثار منفی بانک‌های ناتراز از بدنه اقتصادی کشور، مسیر دستیابی به انضباط مالی به ویژه در صنعت بانکداری را هموار می‌سازد.

در همین راستا، بانک مرکزی با استناد به ماده ۳۳ قانون مذکور، تصمیم به اجرای فرآیند «گزیر» گرفت. قانون بانک مرکزی پنج راه‌حل برای موسسات اعتباری ناتراز پیش‌بینی می‌کند: ۱. فروش یا واگذاری تمام یا بخشی از دارایی‌ها و بدهی‌های موسسه اعتباری در حال گزیر به موسسه اعتباری دیگر، ۲. باقی‌مانده دارایی‌ها و بدهی‌ها به یک موسسه اعتباری

خودرو؛ متهم آلودگی هوا

را از مهم‌ترین دلایل افزایش مرگ و میر در اثر آلودگی کلان‌شهرها دانسته که اثرگذاری نوع وسیله نقلیه در دودزاشدن و مه آلودکردن هوای کشور متفاوت است. برای مثال شرکت کنترل کیفیت هوا در تازه‌ترین گزارش خود با عنوان بررسی نقش ذرات معلق ساینده بر آلودگی هوای تهران به این مهم اشاره کرده که ۸۳درصد از آلودگی گاز در هوای تهران و همچنین سهم ۶۰درصدی در تولید ذرات معلق (PM)، به‌طور مستقیم به تردد وسایل نقلیه (شامل موتورسیکلت، سواری، عمومی و دیزلی) بازمی‌گردد. در این میان دو عامل اصلی به‌صورت ویژه مشکل‌ساز هستند؛ اول اینکه بسیاری از خودروهای بنزینی داخلی فاقد کاتالیست باکیفیت یا بادام کافی هستند. در غیاب نظارت موثر، این قطعات پس از مدتی از کار می‌افتند که به‌طور مستقیم منجر به افزایش آلودگی‌ها از سمت این خودروها می‌شود و دیگر اینکه بخش قابل‌توجهی از کامیون‌ها و اتوبوس‌های سنگین دیزلی از فناوری‌های منسوخ استفاده می‌کنند. این

در گزارش مرکز آمار ایران است. طبق اعلام مرکز آمار ایران تورم نقطه به نقطه در مهر ماه سال جاری ۴۸.۶ درصد و تورم سالانه ۳۸.۹ درصد ثبت شده است.



رئیس کل بانک مرکزی در خصوص روند نرخ تورم گفت: «تورم از پایان سال ۱۴۰۱ تا آذر ماه ۱۴۰۳، به طور مستمر در حال کاهش بود،

پایین ماندن نرخ ارز رسمی، از رشد تورم جلوگیری می‌کند؟

دنیای اقتصاد به تبعیت از نظرات کارشناسی و صاحب‌نظران اقتصادی، در گزارش‌های زیادی به دلایل وقوع جهش‌های تورمی و راه‌کارهای کوتاه‌مدت و بلندمدت مهار تورم پرداخته است. به تازگی دنیای اقتصاد در گزارشی با عنوان «مثلث سیاستی مهار تورم» اعلام کرده بود که رفع چالش تورم، به اقدامات اصلاحی در هر سه حوزه نظام بانکی، ساختار بودجه و سیاست‌های ایجاد ثبات ارزی به صورت همزمان نیازمند است. به بیان دیگر سیاستگذار می‌تواند با برقراری آرامش در فضای سیاسی و رفع نااطمینانی‌ها، از افزایش انتظارات تورمی به عنوان موثرترین عامل برهم زننده ثبات بازار ارز، جلوگیری کند. از سوی دیگر کارشناسان معتقدند ثبات بازار ارز به معنی تعیین سقفی ثابت برای ارز رسمی نیست.

به بیان دیگر، در مقابل رشد بسیار آهسته نرخ ارز رسمی، بسیاری از صاحب‌نظران اقتصادی معتقدند در شرایط تنش سیاسی و حتی وقوع جنگ، طبیعی است که نرخ دلار به عنوان اصلی‌ترین لنگر انتظارات تورمی، افزایش شدید را تجربه کند و با فروکش کردن نااطمینانی‌ها به سطوح پایین تر بازگردانده شود. در چنین شرایطی بانک مرکزی اگر به صرف منابع برای پایین و ثابت نگه داشتن نرخ ارز در بازار رسمی بپردازد، ممکن است از اصلی‌ترین مسوولیت خود یعنی حرکت در مسیر کنترل تورم باز بماند.

اجبار به افزایش نقدینگی

رئیس کل بانک مرکزی در بخشی از سخنان خود به عملکرد بانک مرکزی در حوزه اصلاح نظام بانکی اشاره کرد. او در سخنان خود به بهبود کفایت سرمایه و طبقه بندی بانک‌ها در قالب شش بانک تخصصی خبر داد. به گفته او شاخص کفایت سرمایه شبکه بانکی در حال حاضر به ۴،۵۴ رسیده است و به زودی هدف ۸ درصد تعیین شده توسط برنامه محقق خواهد شد. او در ادامه با اشاره به سیاست‌های پولی و اعتباری بانک مرکزی در حوزه رشد نقدینگی و نرخ رشد تورم اشاره کرد و در خصوص دلایل افزایش نرخ رشد نقدینگی گفت: «به دلیل بروز انسداد پولی، به چند دلیل مجبور به افزایش نقدینگی شدیم. افزایش ریپوی بانک مرکزی به دلیل حجم بالایی که بابت انتشار اوراق دولتی در قانون پیش‌بینی شده است و همچنین اجرای بخشی از ماده ۴۶ قانون رفع موانع تولید از موارد رشد نقدینگی در ماه‌های اخیر بوده است.» او افزود: «ازآداسازی ذخیره قانونی بانک‌ها برای پرداخت صف طولانی تسهیلات ازدواج در سال گذشته نیز از دلایل افزایش نرخ رشد نقدینگی بود. بر همین اساس ۵۰ درصد بالاتر از تکلیف قانونی و برای کاهش صف تسهیلات ازدواج و فرزند این تسهیلات توسط شبکه بانکی پرداخت شد.»

افزایش نقش بانک مرکزی در بازار طلا

رئیس کل بانک مرکزی در خصوص سیاست‌های ارز و تکالیف بانک مرکزی، به توسعه و تعمیق بازار رسمی ارز و توسعه تالارها و ابزارهای ارزی در مرکز مبادله اشاره کرد. رئیس هیات عالی بانک مرکزی در تشریح دیگر اقدامات بانک مرکزی در حوزه ارز گفت: «افزایش نقش بانک مرکزی در بازار طلا، انتظام بخشی به بازار رمز پول‌ها، تلاش در جهت تقویت حکمرانی ریال، تأمین مالی ارزی از طریق طراحی و عملیاتی‌سازی ابزارهای تأمین مالی از جمله اوراق مراجحه که تاکنون بیش از ۲۰۰میلیون دلار از این اوراق فروخته شده است و راهاندازی تالار دوم در راستای اجرای تکالیف قانونی برای صادر کنندگان، از مهم‌ترین اقدامات این بانک در این حوزه بوده است.»

شروط تحقق اهداف برنامه هفتم

رئیس کل بانک مرکزی در تشریح چالش‌ها و موانع دستیابی به اهداف برنامه هفتم توسعه گفت: «دستیابی به اهداف برنامه هفتم با روش کنونی تأمین مالی کشور امکان‌پذیر نیست. بیش از ۹۰ درصد تأمین مالی کشور به عهده نظام بانکی است که واجد آثار تورمی و نقدینگی است. از سویی کسری بودجه دولت باعث فشار بر منابع پایه پولی کشور شده و این امر باعث اختلال در تأمین مالی بخش خصوصی شده است. به دلیل فقر در مقررات تجاری کشور و وجود رویه‌های متفاوت برای واریات و صادرات بدون نظارت و تنظیم‌گری بانک مرکزی از دیگر موانع تحقق اهداف برنامه هفتم است.» به گفته فرزین: «موضوع کسری سرمایه بانک‌های دولتی و عدم تعیین تکلیف بدهی دولت به نظام بانکی از دیگر موانع دستیابی به اهداف برنامه توسعه است.»

در روز دوشنبه ۱۹ آبان‌ماه ۱۴۰۴، معاملات ارزی به ارزش معادل ۱۷۶.۷ میلیون دلار توسط بازرگانان انجام شد. با انجام این معاملات، مجموع ارزش معاملات بازار ارز تجاری از ابتدای سال تاکنون به رقم ۱۷ میلیارد و ۹۲۷میلیون دلار رسید.همچنین مجموع دادوستدهای انجام‌شده در بازار ارز تجاری مرکز مبادله ایران در تاریخ ۱۹ آبان ماه، به تفکیک نوع از شامل ۱۲۰.۷میلیون دلار، ۱۰.۱میلیون درهم، ۳۳.۲میلیون یورو، ۸۸.۳میلیون یوان بوده است که ارزش دلاری مجموع این معاملات معادل ۱۷۶.۷ میلیون دلار برآورد می‌شود.

بازار ارز تجاری در آذرماه سال ۱۴۰۳ رانمانداری شد. این بازار با هدف سازمان‌دهی بازار ارز بازرگانان در یک بازار رسمی، کاهش ریسک عدم تحویل ارز، مدیریت نرخ بازار ارز و افزایش پیش‌بینی پذیری اقتصادی، ارزی و تجاری آغاز به کار کرد.

بر اساس این گزارش مرکز مبادله ارز و طلای ایران، از ابتدای سال جاری تا ۱۹ آبان‌ماه ۱۴۰۴ مجموع ارزش معاملات بازار ارز تجاری مرکز مبادله ایران به ۱۷ میلیارد و ۹۲۷میلیون دلار رسیده است. همچنین حجم کل معاملات در این بازه زمانی، به تفکیک نوع ارز، ۹۳میلیارد و ۵۰۰میلیون درهم، ۴۳.۲میلیون یورو، یکمیلیارد روبیه، ۱۰۴میلیون وون، ۸میلیارد و ۲۰میلیون یوان، ۱۶۱میلیون یین و ۳میلیارد و ۴میلیون روبل بوده است.

انتقالی، ۳. تبدیل بخشی از بدهی‌های ضمانت‌نشده موسسه اعتباری در حال گزیر به سهام در چارچوب قوانین مربوط، ۴. ادغام موسسه اعتباری در حال گزیر در یک موسسه اعتباری دیگر با تأیید مجمع عمومی موسسه اعتباری ادغام‌شونده و ۵. انحلال موسسه اعتباری در حال گزیر. در خصوص بانک آینده، در حال حاضر گزینه‌ی «انتقال دارایی‌ها و بدهی‌ها» برگزیده شد. اقدامی که نه به معنای انحلال یا ادغام، بلکه انتقال دارایی‌های باکیفیت و تعهدات جاری به بانک ملی ایران است تا تداوم عملیات بانکی برای مشتریان بانک آینده سابق تضمین شود. در این فرآیند، نقش «صندوق ضمانت سپرده‌ها» از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این صندوق نه‌تنها به‌عنوان «مدیر گزیر»، مسوولیت جریان هرگونه هزینه مزاد بانک ملی ایران را در فرآیند انتقال دارایی‌ها و بدهی‌ها برعهده دارد، بلکه با بهره‌گیری هدفمند از دارایی‌های بانک آینده و ایجاد جریان نقدینگی مناسب از محل تعیین تکلیف آنها، می‌تواند ذیل بانک مرکزی آثار پولی و تورمی ناشی از اضافه‌برداشت‌های چندساله این بانک را به نحو صحیح مدیریت کند. چنین مداخله‌ی قانون‌محوری، نخستین آزمون واقعی عملکرد «صندوق ضمانت سپرده‌ها» در مدیریت گزیر شبکه بانکی کشور به‌شمار می‌رود.

پیاده‌سازی فرآیند گزیر از دو منظر حیاتی معنا دارد: نخست، صیانت از حقوق سپرده‌گذاران و جلوگیری از بحران‌های اجتماعی ناشی از ورشکستگی بانکی و دوم، اعمال اصلاح نظام بانکی از طریق حل و فصل بانک‌های ناتراز است. از دید کلان، فعالیت بانک آینده نشان داد که هزینه‌های عدم پایبندی به اصول انضباط مالی چقدر سنگین است و چطور می‌تواند آثار عمیق بر اقتصاد کشور بر جای گذارد. اجرای فرآیند گزیر، آثار نظارتی و ساختاری قابل‌توجهی بر شبکه بانکی بر جای خواهد گذاشت و اساساً گام موثری در جهت احیای اعتبار و اقتدار مقام ناظر بانکی خواهد داشت. در واقع، این اقدام بانک مرکزی یک نقطه عبور راهبردی در تاریخ بانکداری ایران و نظارت بر بانک‌های ناتراز از بدنه اقتصادی کشور، مسیر دستیابی به انضباط مالی به ویژه در صنعت بانکداری را هموار می‌سازد.

در همین راستا، بانک مرکزی با استناد به ماده ۳۳ قانون مذکور، تصمیم به اجرای فرآیند «گزیر» گرفت. قانون بانک مرکزی پنج راه‌حل برای موسسات اعتباری ناتراز پیش‌بینی می‌کند: ۱. فروش یا واگذاری تمام یا بخشی از دارایی‌ها و بدهی‌های موسسه اعتباری در حال گزیر به موسسه اعتباری دیگر، ۲. باقی‌مانده دارایی‌ها و بدهی‌ها به یک موسسه اعتباری

وسایل به‌دلیل رانندمان پایین و مصرف بالای سوخت، تاثیر بسیار زیادی در انتشار مواد آلاینده خطرناک، به‌ویژه ذرات معلق، به محیط‌زیست دارند. بنابراین علاوه‌بر اینکه نوع وسیله نقلیه در آلودگی هوا اثرگذار است، خودروها تنها یکی از مقصران اصلی آلودگی هوا به‌شمار می‌آیند. منابع با آلودگنی زیاد به‌ویژه دیزل‌ها و موتورسیکلت‌ها، شرایط جغرافیایی محصور و وارونگی دما و مدیریت ناکافی در نوسازی ناوگان و سوخت استاندارد از جمله سه عاملی هستند که به‌طور همزمان در آلودگی تهران مقصر شناخته می‌شوند.بنابراین برای خروج از این وضعیت نه‌اینها نباید دست به دامان خودروسازان برای حرکت در سمت خودروهای برقی با آلودگی کمتر شد بلکه تحقق این امر نیازمند هماهنگی و همکاری دستگاه‌های مختلف برای توسعه‌گسترده زیرساخت حمل‌ونقل عمومی، نوسازی ناوگان و مدیریت هوشمند ترافیک در کنار ارتقای استاندارد تولید خودرو و اصلاح فرآیندهای نظارتی است.

معاون وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی روز گذشته از مرگ سالانه بیش از ۵۷هزار نفر به دلیل آلودگی هوا خبر داد. او در ادامه سخنان خود به خودروسازان پیشنهاد داده تا دست از تولید خودروهای بی کیفیت بردارند و «خودروسازان به جای اینکه خودروهای بی کیفیت بنزینی تولید کنند، حداقل خودروی برقی وارد کرده و آن را مونتاژ کنند و به مردم تحویل دهند. این روش خودروسازی را جمع کنید و به سمت خودروهای برقی بروید.»البته تاکید بر تولید خودروهای برقی برای کاهش آلودگنی مسیوق به‌سابقه است؛ در فروردین ماه ۱۴۰۱، رئیس‌جمهوری وقت در بازدید از وزارت صمت از خودروسازان خواست تا تولید خودروی برقی و هیبریدی در دستور کار قرار بگیرد، اما در حال حاضر این امر به دلایل مختلف از جمله فراهم‌نبودن زیرساخت‌های لازم مثل جایگاه مناسب برای شارژ یا عرضه باتری‌های مناسب تقریباً مغفول مانده‌است.

ضمن اینکه در شرایطی معاون وزیر بهداشت خودروهای بی کیفیت با مصرف سوخت بالا

روزنامه در اقتصاددوشنبه ۱۰ آذر ۱۴۰۴۰۱۴شماره ۸۱۲www.marzeghtesad.ir

♥ سال درخشش شوینده‌ها

صنعت شوینده در سال جاری برخلاف سال‌های گذشته وضعیت پایدارتر و همین‌طور بهتری از منظر رشد سودآوری و درآمد پشتر گذاشته است. از منظر تولیدات طی هفت ماه نخست امسال، میزان تولیدات شوینده‌ها ۱۷درصد نسبت به مدت مشابه افزایش‌یافته و نزول تولیدات سال گذشته این صنعت جبران شده‌است.

از منظر درآمدی نیز ۸۴درصد به فروش صنعت شوینده طی هفت ماهه ابتدای امسال افزوده شده‌است، باین‌حال به‌دلیل نرخ‌گذاری دستوری حاشیه سود صنعت شوینده به‌رغم رشد قابل‌توجه مقادیر تولید و درآمد طی سال جاری همچون میانگین تاریخی در سطح ۲۲درصد ثابت باقی‌مانده‌است. ماهیت مصرفی و همیشگی این محصولات باعث شده‌است تقاضا نسبتاً ثابت باقی بماند و این صنعت در میان نوسانات شدید صنایع دیگر مانند پتروشیمی و فلزات، عملکردی مقاوم‌تر از خود نشان دهد. اصلی‌ترین چالش‌های صنعت شوینده تامین ارز ماده‌اولیه این صنعت است. از آنجا که نرخ‌گذاری این صنعت در سایه دستوری صورت می‌گیرد، وارداتی بودن بخشی از ماده‌اولیه صنعت موجب می‌شود تا افزایش نرخ ارز مستقیماً بر درآمد و سودآوری صنعت اثر بگذارد.

جبران عقبماندگی تولیدی

بررسی مقادیر تولیدی شرکت‌های شوینده بازار سرمایه نشان می‌دهد که در ۱۳سال گذشته به‌طور میانگین در هر سال ۲۵۵هزار و ۵۵۵تن محصول از طریق تولیدکنندگان این حوزه به چرخه تولید درآمده است و میانگین در هر سال ۴درصد به تولیدات در هر سال افزوده شده‌است. نزولی به خود گرفته‌است. در این سال مجموع تولیدات شرکت‌های شوینده بورس تهران با کاهش ۶درصدی نسبت به سال ماقبل به ۷۵۲هزار تن نزول یافته‌است.

در سال جاری خصوصاً سه‌ماهه دوم سال وضعیت تولیدات صنعت شوینده اوضاع بهتری را تجربه کرده‌است. طی تابستان امسال میزان تولیدات این گروه با رشد ۳۶درصدی نسبت به سال ماقبل به ۲۳۷هزار تن افزایش یافته‌است. در هفت شرکت‌های تولیدات شرکت‌های شوینده بورسی ۴۹۶هزار و ۴۴۴تن به ثبت رسید که در قیاس با هفت ماه ابتدای سال گذشته ۱۷درصد بهبود یافته‌است. بیشترین میزان رشد متداوم تولیدات این صنعت مربوط به شرکت «پاکشو» است. این شرکت در هفت ماهه امسال مجموعاً ۴۷درصد به تولیدات خود افزود و ۱۸۵هزار و ۷۷۱تن محصول به چرخه تولید درآورد.

چالش بزرگ صنعت شوینده

نوسانات نرخ ارز در سال‌های اخیر به مهم‌ترین عامل فشار بر صنعت شوینده تبدیل شده‌است. وابستگی بالای این صنعت به واردات مواد اولیه‌ای مانند سورفکتانت‌ها، اسانس‌ها و افزودنی‌های شیمیایی، باعث شده هر تغییر در قیمت دلار مستقیماً هزینه تولید را افزایش دهد. رشد بهای ارز، به‌ویژه برای شرکت‌های کوچک‌تر که توان مالی و نقدینگی محدودی دارند، حاشیه سود را به‌شدت کاهش داده است. در مقابل، شرکت‌های بزرگ‌تری همچون پاکسان و شیاکسا با استفاده از قراردادهای بلندمدت تأمین مواد اولیه، تنوع‌بخشی به سبد محصولات و افزایش بهره‌وری در خطوط تولید، تا حدودی از اثر نوسانات ارزی کاسته‌اند. همچنین بخشی از شرکت‌ها با تمرکز بر صادرات و درآمدهای ارزی تلاش کرده‌اند فشار افزایش هزینه‌ها را جبران کنند، اما چالش ارزی تنها به واردات مواد اولیه محدود نمی‌شود.

سیاست‌های قیمتی دولت و تورم داخلی نیز شرایط را برای تولیدکنندگان دشوارتر کرده‌است. درحالی‌که هزینه‌های انرژی، حمل‌ونقل و نیروی کار افزایش یافته، کنترل‌های قیمتی اجازه انتقال کامل این هزینه‌ها به مصرف‌کننده را نمی‌دهد، به‌همین‌دلیل، بسیاری از تولیدکنندگان برای حفظ سودآوری ناچار به افزایش بهر‌موری، کاهش هزینه‌های غیرضروری و بازطراحی ساختار تولید خود شده‌اند. در مجموع، بی‌ثباتی ارزی همچنان تهدیدی جدی برای صنعت شوینده محسوب می‌شود. ثبات نرخ ارز، دسترسی آسان‌تر به منابع ارزی برای واردکنندگان و شفافیت در سیاست‌گذاری قیمتی، از دید کارشناسان بازار، مهم‌ترین پیش‌شرط‌های تداوم رشد و سودآوری این صنعت به‌شمار می‌روند.

درپچهای نو به بازارهای منطقه‌ای

در سال‌های اخیر، بازارهای منطقه‌ای به یکی از محورهای اصلی رشد صنعت شوینده ایران تبدیل شده‌اند. شرکت‌های این حوزه با درک محدودیت‌های تقاضای داخلی و تأثیر سیاست‌های کنترل‌ی دولت بر قیمت‌گذاری، نگاه خود را به سمت کشورهای همسایه معطوف کرده‌اند؛ کشورهایی که هم از نظر فرهنگی و الگوی مصرف، نزدیکی قابل‌توجهی به بازار ایران دارند و هم ظرفیت بالایی برای جذب محصولات شوینده ایرانی از خود نشان داد‌اند. رشد تقاضا در بازارهایی چون عراق، افغانستان، سوریه و کشورهای حاشیه خلیج فارس فرصت‌نازایی برای توسعه صادرات فراهم کرده‌است. برندهایی مانند شیاکسا و پاکسان طی دو سال گذشته با سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های صادراتی، افزایش تولید محصولات باکیفیت را متناسب با استانداردهای منطقه و حضور فعال در نمایشگاه‌های بین‌المللی، توانسته‌اند سهم خود را در بازارهای هدف گسترش دهند.

صندوق‌های با درآمد ثابت، در حال حاضر مانع از بازگشت پایدار شاخص‌ها به مسیر صعودی شده است.

جابه‌جایی سهام

یکی از مولفه‌های اصلی پویایی بازار سهام، گردش مستمر مالکیت سهام میان بازیگران مختلف بازار است. زمانی که معاملات در وضعیت رکودی فرو می‌رود و بخش عمده‌ای از سهام در اختیار گروه محدودی باقی می‌ماند، عمق و نقدشوندگی بازار کاهش یافته و قیمت‌ها از ارزش‌های واقعی فاصله می‌گیرند. در مقابل، جابه‌جایی مداوم سهام بین سرمایه‌گذاران حقیقی کوتاه‌مدت و حقوقی‌های بلندمدت، به بازتعریف ارزش ذاتی شرکت‌ها و کشف قیمت منصفانه‌تر منجر می‌شود. کارشناسان معتقدند، اصلاح قیمت نیز در چنین فرآیندی نه‌تنها امری منفی نیست، بلکه بخشی ضروری از سازوکار سالم بازار به شمار می‌آید. این اصلاحات با تخلیه هیجانات، از شکل‌گیری حباب‌های قیمتی جلوگیری کرده و زمینه بازگشت تعادل، اعتماد و توزیع مجدد ریسک را فراهم می‌کنند.

در واقع، نوسانات مقطعی و جابه‌جایی سهام، نشانه‌ای از ضعف بازار نیست؛ بلکه بازتابی از سلامت، کارایی و بلوغ تدریجی ساختار بورس در مسیر پایداری و تعادل بلندمدت است. در روزهای اخیر، فشار عرضه در اغلب نمادها محسوس بوده است. کارشناسان معتقدند با توجه به رشد نسبتاً پرشتاب شاخص در ماه اخیر و رسیدن آن به محدوده روانی ۳میلیون و ۲۵۰ هزار واحد، بخشی از سرمایه‌گذاران اقدام به سیو سود کرده‌اند. با این حال، پس از اصلاح اخیر، شاخص کل به محدوده‌های حمایتی مهمی رسیده است. از منظر تکنیکال، محدوده سه‌میلیون واحد سطح حمایتی مهم برای شاخص محسوب می‌شود و در صورت شکست آن، سطح بعدی حوالی دو میلیون و ۹۵۰ هزار واحد قرار دارد.

آبان سخت بورس؟

برخی از تحلیلگران معتقدند، بورس تهران تا پایان آبان‌ماه شاهد دوره‌ای از سکون و احتیاط خواهد بود. با توجه به اینکه زمان انتشار صورت‌های مالی شش‌ماهه حسابرسی‌شده و تلفیقی شرکت‌ها تا پایان آبان ادامه دارد و خبری از تحولات بودجه‌ای جدید نیز نیست، احتمالاً بازار در دو هفته پیش‌رو در فاز اصلاح استراحت قرار خواهد داشت. به نظر می‌رسد در غیاب محرک‌های قوی و اخبار جدید، شاخص بورس در کوتاه‌مدت در محدوده‌های فعلی نوسان خواهد داشت. در این میان، سرمایه‌گذاران باید توجه بیشتری به گزارش‌های عملکرد ماهانه شرکت‌ها داشته باشند؛ این گزارش‌ها می‌توانند مسیر حرکت گروه‌ها و صنایع را در آذرماه مشخص کنند. در چنین فضایی، کارشناسان توصیه می‌کنند بخشی از پرتفوی سرمایه‌گذاران در دارایی‌های کم‌ریسک‌تر مانند صندوق‌های درآمد ثابت یا ابزارهای مبتنی بر طلا نگهداری شود تا ضمن حفظ نقدشوندگی، فرصت مناسب برای ورود مجدد به سهام نبیادی در سطوح جذاب فراهم شود. در همین رابطه هانف شاملو، کارشناس بازار سرمایه در گفت‌وگو با «دنیای اقتصاد» به وضعیت این‌روزهای بورس تهران پرداخت. او می‌گوید که ممکن است اصلاح شاخص‌های سهامی در روزهای آینده نیز ادامه یابد.

این کارشناس اظهار کرد: فشار فروش در نمادهای بزرگ و شاخص‌ساز در روزهای اخیر موجب شده معاملات بازار از میانه روز به بعد در محدوده منفی دنبال شود؛ موضوعی که حتی صندوق‌های اهرمی را نیز به محدوده فروش رسانده است. بر اساس تحلیل تکنیکال، شاخص کل بورس پس از رشد قابل‌توجه از محدوده ۳میلیون و ۴۰۰ هزار واحد تا سقف تاریخی خود، وارد فاز اصلاحی شده است. این اصلاح را می‌توان به عنوان موج نخست استراحت تلقی کرد که در صورت حفظ محدوده ۳میلیون و ۷۰۰ هزار واحد، احتمال بازگشت موقت بازار و شکل‌گیری موج «B» صعودی وجود دارد. در غیر این صورت، ادامه فشار عرضه می‌تواند شاخص را به سطوح پایین‌تری هدایت کند. هانف شاملو با بیان اینکه از روز چهارشنبه تغییرات جدیدی در کارمزد صندوق‌های اهرمی و سهامی اعمال می‌شود، گفت: موضوعی که از منظر روانی بر رفتار فعالان بازار تأثیر گذاشته است. افزایش کارمزدها از ۰.۲ به ۰.۴ درصد هرچند تأثیر بنیادین بر بازدهی ندارد، اما به گفته فعالان، در کوتاه‌مدت موجب احتیاط بیشتر نوسان‌گیرها و کاهش حجم معاملات شده است.

او در مورد وضعیت صنایع و معاملات درون‌گروهی نیز بیان کرد: در شرایط فعلی، نمادهای کوچک‌تر و صنایع متوسط همچون سیمان، دارو و برخی تک‌سهم‌های زودتر اصلاح‌کرده، عملکردی بهتر نسبت به شاخص کل دارند. این موضوع بیانگر آن است که بخشی از نقدینگی در حال جابه‌جایی از سهام بزرگ به نمادهای کوچک‌تر است؛ الگویی که معمولاً در میانه فاز اصلاحی بازار مشاهده می‌شود.

به گفته این کارشناس، در صورتی که شاخص کل بتواند محدوده روانی ۳میلیون و ۷۰۰ هزار واحد را حفظ کند، می‌توان انتظار داشت که بازار وارد موج صعودی کوتاه‌مدتی شود. در این میان، چند عامل کلیدی می‌تواند در آینده روند بازار اثرگذار باشد: کاهش احتمالی نرخ بهره بانکی از سوی بانک مرکزی که می‌تواند جذابیت بازار سهام را افزایش دهد. افزایش نرخ تسعیر ارز شرکت‌ها در صورت تداوم رشد نرخ دلار توافقی تا محدوده ۹۵ تا ۱۰۰ هزار تومان و تحولات سیاست خارجی و کاهش تنش‌های بین‌المللی که می‌تواند انتظارات مثبت در میان فعالان بازار ایجاد کند. هانف شاملو در پایان اظهارات خود افزود: بازار سهام پس از رشد شگفت‌ر دو ماه اخیر اکنون در فاز اصلاح طبیعی قرار دارد. در این مقطع، حفظ محدوده حمایتی ۳میلیون و ۷۰۰ هزار واحد برای شاخص کل از اهمیت زیادی برخوردار است. در همین مسیر سرمایه‌گذاران با تنوع‌بخشی به سبد دارایی شامل صندوق‌های طلا، اهرمی و سهامی و پرهیز از تمرکز بر تک‌سهم‌ها، ریسک خود را مدیریت کنند. تجربه سال‌های گذشته نیز نشان می‌دهد که ماه‌های آبان و آذر معمولاً کف‌های قیمتی بازار را شکل می‌دهند و می‌توانند مقدمه‌ای بر شروع یک روند صعودی در ماه‌های پایانی سال باشند.

در حالی که نرخ دلار آزاد با افت همراه شد، مرکز مبادله ارزی شاهد رشد کم‌سابقه ۰.۸ درصدی در نرخ توافقی دلار و رسیدن آن به ۷۳ هزار و ۸۱ تومان بود؛ جهشی که از ابتدای سال تاکنون بی‌سابقه است و نشان می‌دهد سیاستگذار پولی با هدف کاهش شکاف میان نرخ‌های رسمی و آزاد، گام تازه‌ای در مسیر تحقق نظام تک‌نرخ‌ی ارز برداشته است. در شرایطی که بازار آزاد ارز در روز جاری با کاهش ۳۳۰ تومانی نرخ دلار همراه بود و از ۱۰۷ هزار و ۹۵۰ تومان به ۱۰۷ هزار و ۶۵۰ تومان مقبض‌نشینی کرد، مرکز مبادله ارزی شاهد اتفاقی متفاوت و کم‌سابقه بود. نرخ توافقی دلار در این مرکز با رشد ۰.۸ درصدی به ۷۳ هزار و ۸۱ تومان رسید که بالاترین سطح از ابتدای سال است؛ رشدی که در مقایسه با میانگین روزانه ۰.۰۲ درصدی، یک جهش قابل‌توجه محسوب می‌شود و نشانه‌ای از تغییر سیاست ارزی دولت در مسیر تک‌نرخ‌ی شدن ارز تلقی می‌گردد. بر اساس داده‌های رسمی بانک مرکزی، از ابتدای سال ۱۹ آبان ۱۴۰۴، بیش از ۵۷۲میلیارد دلار ارز برای واردات کالا و خدمات تأمین شده است که از این میزان، حدود ۲۵۶میلیارد دلار به بخش تجارت و بازرگانی تخصیص یافته است. تمرکز بخش عمده این ارزها در صنایع حمل‌ونقل و خودرو (با ۵۳۲میلیارد دلار)، تجهیزات برق و الکترونیک (۳۰۳میلیارد دلار) و ماشین‌آلات تولیدی (۳میلیارد دلار) نشان می‌دهد که دولت با اولویت‌دهی به بخش‌های مولد و پیشران، در حال هدایت منابع ارزی به سوی توسعه صنعتی است.

همچنین داده‌های اخیر بانک مرکزی نشان می‌دهد که تمرکز بر بخش حمل‌ونقل و خودرو می‌تواند زمینه‌ساز احیای بخشی از ظرفیت‌های تولیدی در صنایع وابسته به واردات قطعات و تجهیزات باشد.

کوچک‌های بیگانه بورس

در مقابل، شرکت‌های بزرگ صادرات‌محور یا نمادهای وابسته به کالاهای جهانی، از چنین شرایطی کمتر آسیب می‌بینند یا حتی گاهی منتفع می‌شوند. در دوره‌های افزایش تنش سیاسی، معمولاً نرخ ارز تمایل به صعود پیدا می‌کند و همین امر باعث بهبود درآمدهای ریالی شرکت‌های صادراتی می‌شود. این گروه از نمادها، که وزن بالایی در شاخص کل دارند، توانسته‌اند رشد شاخص را رقم بزنند و در عین حال، تصویری خوش‌رنگ از کلیت بازار ارائه دهند؛ تصویری که در واقعیت، با وضعیت اکثریت نمادها همخوانی ندارد.

جدایی شاخص از بازار

در ظاهر، رشد شاخص کل می‌تواند نشانه‌ای از بهبود عمومی بازار تلقی شود، اما وقتی فقط ۰.۸درصد از شرکت‌ها بهتر از شاخص عمل کرده‌اند، معنای دقیق‌تر این شاخص تغییر می‌کند. در واقع، شاخص کل بیشتر از آنکه بازتاب‌دهنده «میانگین عملکرد بازار» باشد، نشان‌دهندهی وضعیت چند شرکت بزرگ است. این موضوع از سال‌ها پیش در بورس تهران مورد انتقاد فعالان بازار بوده، اما در مقطع فعلی که دامنه نوسان و محدودیت‌های معاملاتی شدت یافته، این شکاف بیش از همیشه آشکار شده است.

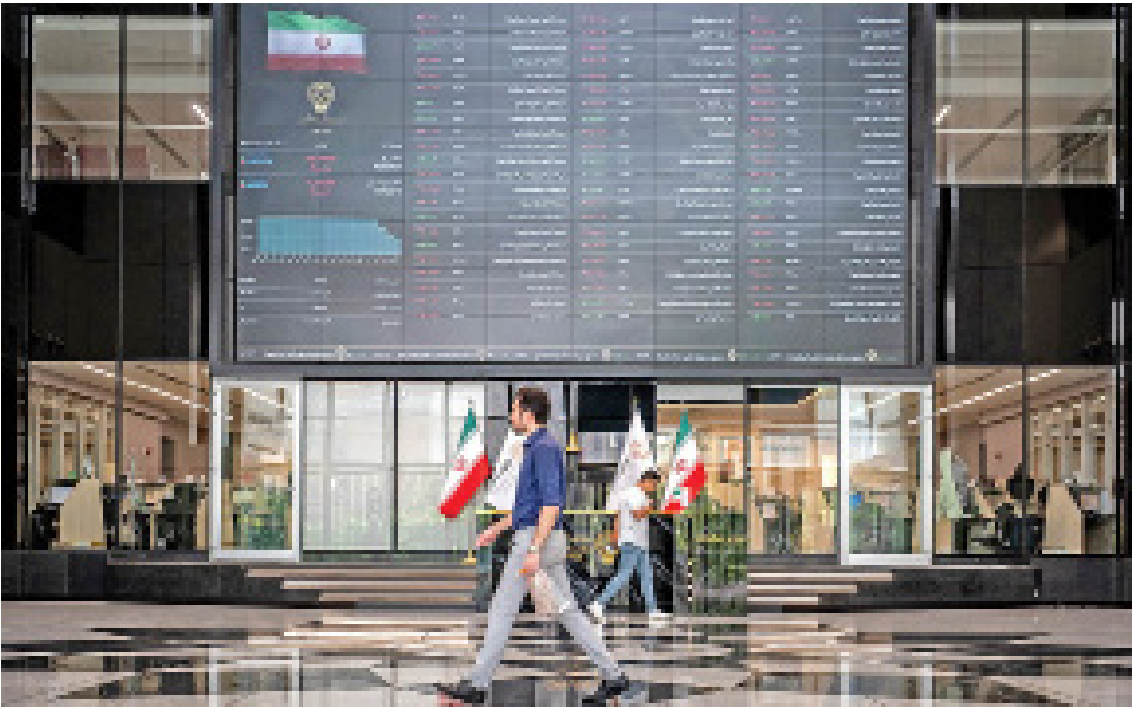
به زبان ساده‌تر، رشد شاخص به معنای سودآوری همگانی نیست. بسیاری از سرمایه‌گذاران خرد که در سبد خود سهام متوسط یا کوچک دارند، در حالی شاهد رشد روزانه‌ی شاخص هستند که پرتفوی آنها یا ثابت مانده یا حتی کاهش یافته است. این تضاد میان شاخص و تجربه واقعی سرمایه‌گذاران، یکی از عوامل اصلی بی‌اعتمادی کنونی به بازار به شمار می‌رود. اخیراً بورس تهران اعلام کرده، که احتمالاً شاخص‌های جدیدی را برای صندوق‌ها و نمادهای کوچک یا شاخص سهامداران خرد را طراحی خواهد کرد که احتمالاً این نوع از شاخص‌ها معیار بهتری را برای سنجش عملکرد بازار ارائه خواهند کرد.

هزینه‌های پنهان احتیاط

کاهش دامنه نوسان و سایر محدودیت‌های معاملاتی اگرچه در ظاهر با هدف کاهش نوسان و حفظ ثبات بازار اعمال می‌شوند، اما در باطن هزینه‌هایی سنگین به همراه دارند. یکی از مهم‌ترین این هزینه‌ها، کاهش عمق بازار و تضعیف نقش کشف قیمت است. در بازاری که قیمت‌ها به سختی می‌توانند تغییر کنند، انگیزه معامله‌گران برای خرید و فروش نیز کاهش می‌یابد. در نتیجه، حجم معاملات پایین می‌آید و ارزش معاملات روزانه به سطحی می‌رسد که نمی‌تواند مبنای تحلیلی برای روند کلی بازار باشد. به طوری که با وجود رشد بازار، همچنان ارزش معاملات در سطوح ۱۲ تا ۱۵همتی قرار دارند. در صورتی که با بازگشایی دامنه نوسان این اعداد می‌توانند به بالای ۳۰همت در روزهای خوب بازار افزایش یابد. در چنین فضایی، سرمایه‌گذاران حقوقی و صندوق‌های بزرگ که قدرت نقدشوندگی بالاتری دارند، می‌توانند با حجم‌های محدود، روند قیمتی را در نمادهای سنگین‌تر هدایت کنند. نتیجه این موضوع، پدیدآمدن بازاری است که ظاهر آن مثبت است، اما بدنه‌ای نگران در رکود فرو رفته است. ادامه‌ی این وضعیت در میان‌مدت می‌تواند به از بین رفتن اعتماد عمومی و خروج سرمایه‌گذاران حقیقی از بازار منجر شود؛ رخدادی که پیش‌تر نیز در مقاطع مشابه تجربه شده است.

احتیاط و انتظار

عقب‌نشینی سه روزه بورس



❧ فر حناز نعمتی – معاملات دیروز بورس تهران باز هم در فضایی متاثر از فشار فروش سهامداران خرد دنبال شد. شاخص کل که در آغاز دادوستدها تا سطح ۳میلیون و ۱۳۲هزار واحدی پیشروی کرده بود.

در ادامه تحت‌تأثیر افزایش عرضه‌ها مسیر نزولی در پیش گرفت و در نهایت با کاهش ۰.۲۶درصد در سطح ۳میلیون و ۱۰۶ هزار واحد برای سسومین روز متوالی متوقف شد. به این ترتیب، شاخص اصلی بازار سهام که معاملات سه‌شنبه را ابتدا در محدوده مثبت آغاز کرده بود، در نیمه دوم دادوستدها با غلبه فروشندگان، وارد محدوده منفی تابلو شد و کار خود را در محدوده سرخ به پایان رساند.

شاخص اصلی بازار سهام پس از ثبت سقف جدید در ۱۲ آبان امسال وارد مسیر کاهشی شد. جدال بازیگران اصلی در محدوده سقف تاریخی، به پیروزی فروشنده‌ها منجر شد و شاخص بورس با افت قابل‌توجهی به کف ۳میلیون و ۱۰۰هزار واحد رسید. هرچند منفی‌های بازار، با استقبال خریدارها روبه‌رو می‌شود، اما همچنان سایه فشار عرضه‌ها بر سر بازار سنگینی می‌کند. شاخص کل بر اساس سناریوهای مختلف می‌تواند به حمایت‌های مختلف پناه ببرد. با توجه به آنکه انتظارات اهالی بازار سرمایه در خصوص متغیرهای اقتصاد برآورده نشده و در خصوص برخی از این عوامل، ابهاماتی وجود دارد، بر اساس اظهارات تکنیکالیست‌ها، نماگر اصلی بورس می‌تواند تا محدوده ۳میلیون و ۱۰۰ هزار واحد نیز کاهش یابد.

کاهش میانگین ارزش معاملات در چند روز اخیر نیز نشانه‌هایی از اصلاح اندک را مخابره می‌کند. اما در صورت عدم پدیدارشدن محرک جدید، شاخص وارد اصلاح زمانی خواهد شد. کاهش بیشتر ارزش معاملات سبب خواهد شد تا نماگر اصلی تا ۳میلیون و ۸۵۰هزار واحد نیز کاهش یابد. فعال شدن هر یک از محرک‌های مورد انتظار بازار نظیر نرخ ارز، تغییر قیمت خوراک پتروشیمی‌ها، شفاف‌سازی در خصوص انتقال ارز فولادی‌ها و سایر صنایع به تالار دوم توافقی، شرایطی را پدیدار خواهد کرد که می‌توان



خروج ارز تجاری از رخوت

بازار سهام در ماه‌های اخیر چهره‌ای دوگانه از خود به نمایش گذاشته است؛ از یک سو شاخص کل بورس با شتابی نسبتاً قابل‌توجه از کف شهریورماه فاصله گرفته و بازدهی ۳۶درصدی را تا سقف ۱۲آبان امسال به ثبت رسانده، اما در سوی دیگر بخش عمده‌ای از سهام حاضر در بازار همچنان با عقب‌ماندگی، ضعف نقدشوندگی و بی‌اعتمادی سرمایه‌گذاران مواجه‌اند.

داده‌های آماری تازه نشان می‌دهد که تنها حدود ۰.۸درصد از نمادهای بورسی توانسته‌اند عملکردی بهتر از شاخص کل داشته باشند، در حالی که ۴۵درصد از نمادها بازدهی کمتر از شاخص ثبت کرده و حدود ۵درصد از کل شرکت‌ها از ابتدای موج جدید رشد بازار، بازدهی منفی داشته‌اند. این آمار در حالی منتشر شده که بیش از نیمی از ارزش بازار، یعنی حدود ۵۶درصد، در اختیار همان اقلیت نمادهایی است که عملکرد بهتری نسبت به شاخص کل داشته‌اند.

به بیان دیگر، گرچه تنها ۲۰ شرکت رشد قابل‌قبولی تجربه کرده‌اند، اما همین گروه کوچک به‌دلیل وزن سنگین خود در شاخص، بخش عمده‌ی رشد ظاهری بازار را رقم زده‌اند. این وضعیت را می‌توان مصداقی روشن از تمرکز رشد در نمادهای بزرگ دانست؛ وضعیتی که به‌ویژه در دوره‌های رکود عمومی و بی‌اعتمادی به بازار، بارها در بورس تهران تکرار شده است.

شکاف نقدشوندگی

یکی از متغیرهای کلیدی که در شکل‌گیری این تمرکز تأثیر بسزایی داشته، محدود شدن دامنه نوسان قیمت سهام به حدود سه درصد است. اگرچه سیاستگذار بورسی هدف از این اقدام را کنترل هیجانات و جلوگیری از ریزش‌های سنگین اعلام کرده است، اما در عمل، کاهش دامنه نوسان باعث شده تا جریان نقدینگی از سهام کوچک‌تر که به‌طور سنتی نوسانات بیشتری دارند، خارج شود. در شرایطی که خروج از صف‌های فروش دشوار و زمان‌بر شده، سرمایه‌گذاران حقیقی ترجیح داده‌اند دارایی خود را در نمادهایی با نقدشوندگی بالاتر و وزن سنگین‌تر متمرکز کنند.

دامنه نوسان محدود همچنین به ایجاد صف‌های پایدار در بازار منجر شده است؛ پدیده‌ای که در نمادهای کوچک‌تر شدت بیشتری دارد. در هفته‌های اخیر، به‌ویژه پس از بالا گرفتن تنش‌های نظامی میان ایران و اسرائیل، بسیاری از این نمادها وارد صف فروش شده و عملاً امکان معامله پیدا نکرده‌اند. در چنین شرایطی، نقدشوندگی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های اعتماد در بازار سهام، به‌شدت آسیب دیده است. سرمایه‌گذارانی که تجربه‌ی قفل شدن سرمایه در صف‌های فروش را دارند، به‌سختی حاضر می‌شوند دوباره به سهام کوچک ورود کنند، حتی اگر نسبت‌های بنیادی آنها جذاب به نظر برسد.

افزایش تنش‌های منطقه‌ای و درگیری‌های مستقیم یا غیرمستقیم ایران با اسرائیل نیز به این وضعیت دامن زده است. بازار سرمایه، به‌ویژه در ایران که به‌طور تاریخی به متغیرهای غیراقتصادی حساس است، نسبت به نااطمینانی‌های ژئوپلیتیک واکنش سریع نشان می‌دهد. در روزهایی که خبر از تبادل آتش یا تهدیدهای متقابل منتشر می‌شود، معمولاً نخستین واکنش بازار خروج نقدینگی از سهم‌های کوچک و پرریسک است. سرمایه‌گذاران خرد که بخش عمده‌ای از معاملات روزانه را تشکیل می‌دهند، به‌صورت غریزی به سمت سهامی حرکت می‌کنند که پشتوانه‌ی بنیادی و مالی قوی‌تری دارند یا به لحاظ روانی، امن‌تر تلقی می‌شوند.

▼ ترمز ارزی صادرات اصفهان

طی رویدادی در اصفهان از صادرکنندگان نمونه استان تقدیر شد. در این رویداد که جمعی از فعالان اقتصادی، مدیران استانی و ملی و نمایندگان بخش خصوصی حضور داشتند بر ضرورت بازطراحی سیاست‌های ارزی و تجاری، حمایت از صادرکنندگان و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در توسعه صادرات تاکید شد.

در این رویداد همچنین بر نقش محوری صادرکنندگان در رشد اقتصادی و حفظ جایگاه ایران در بازارهای بین‌المللی، توسعه تجارت دانش‌بنیان و تسهیل مقررات ارزی و گمرکی تاکید شد.

امیر روشن‌بخش، معاون ارتقای کسب‌وکارهای بین‌المللی سازمان توسعه تجارت ایران در این نشست با قدردانی از تلاش فعالان اقتصادی گفت: ارز باید ابزار توسعه تجارت باشد، نه وسیله‌ای برای تنظیم بازار. نگاه نادرست به ارز روند صادرات را مختل کرده و ناهماهنگی میان سیاست‌های بانکی و تجاری نیز موجب فاصله قیمتی در صادرات و واردات شده است.

وی تاکید کرد:صادرات فعلی کشور عمدتاًسنّتی و مبتنی بر تجربه فردی است. دستیابی به رشد پایدار نیازمند سیاستگذاری علمی و حمایتی در حوزه ارزی و تجاری است تا صادرات نقش واقعی خود را در توسعه اقتصادی ایفا کند.

مهدی جمالی‌نژاد، استاندار اصفهان، صادرکنندگان را پرچمداران واقعی اقتصاد کشور دانست و گفت: با وجود تحریم‌ها و محدودیت‌ها، این فعالان با جسارت نام ایران را در بازارهای جهانی زنده نگه‌داشته‌اند.

او کمبود زیرساخت‌ها و مشکلات ارزی را از مهم‌ترین موانع دانست و تاکید کرد: با هم‌افزایی دولت، مجلس و بخش خصوصی می‌توان این چالش‌ها را برطرف کرد. به گفته استاندار، استفاده از هوش مصنوعی، واقعیت افزوده و پلتفرم‌های تخصصی صادراتی، مسیر بازاریابی و فروش محصولات اصفهان را متحول خواهد کرد.

امیر کشانی، رئیس اتاق بازرگانی اصفهان نیز با انتقاد از بی‌توجهی به نظرات بخش خصوصی در تدوین مقررات اقتصادی اظهار کرد: بر اساس قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار، دولت موظف است پیش از تصویب آیین‌نامه‌های اقتصادی با اتاق‌های بازرگانی مشورت کند، اما این قانون در بسیاری از موارد نادیده گرفته می‌شود.

او با اشاره به فشارهای قانونی و اداری بر صادرکنندگان گفت: بخشنامه‌های متعدد و متغیر باعث سردرگمی فعالان اقتصادی شده است. باید فرایندها تسهیل و سیاست‌های اقتصادی با رویکرد حمایتی نسبت به تولیدکننده و صادرکننده تدوین شود.

کشنای افزود: کالاهای صادراتی استان در کمسیون صادرات اولویت‌بندی و کشورهای هدف مشخص شدند و با حمایت اتاق و مشار کت اعضا، حضور در نمایشگاه‌های تخصصی بین‌المللی افزایش خواهد یافت.فرشته امینی، رئیس کمیسیون توسعه صادرات و مدیریت واردات و عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی اصفهان نیز فضای مراسم تجلیل از صادرکنندگان را متفاوت توصیف کرد و گفت: در این فضا هر کالا و ایده‌ای اگر مسیر خود را درست پیدا کند، جای خود را در بازار جهانی باز خواهد کرد. امینی با اشاره به اینکه نقطه امنی در بازار بین‌المللی وجود ندارد، افزود: هوش مصنوعی امروز بخشی جدایی‌ناپذیر از تجارت جهانی است و شرکت‌ها باید به‌صورت آگاهانه و هدفمند از آن بهره ببرند. وی تاکید کرد: موفقیت در صادرات پایانی ندارد و صادرکنندای که در مسیر یادگیری، نوآوری و تحلیل مداوم بازار حرکت کند، آینده‌ای روشن خواهد ساخت.

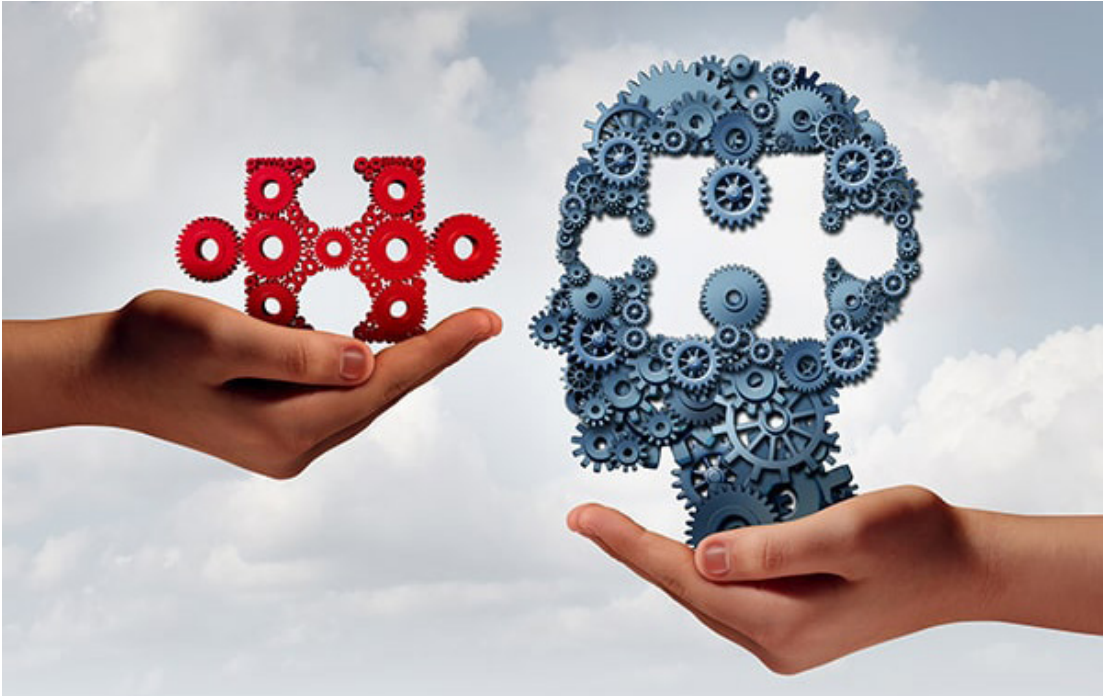
سیدیوسف قاضی‌عسگر، رئیس کمیسیون صنایع غذایی و عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی اصفهان نیز با اشاره به اهمیت نقش صادرکنندگان گفت: صادرکننده موفق باید تراز تجاری را بشناسد و با چالش‌های واردات و مالیات آشنا باشد.

وی با تاکید بر گسترش همکاری‌های بین‌المللی افزود: افزایش روزهای کاری مشترک با کشورهای هدف به توسعه تجارت کمک می‌کند. همچنین با استفاده از ضمانت‌نامه‌های بانکی و تعامل سازنده با سازمان مالیاتی می‌توان موانع ارزش‌افزوده صادرکنندگان را برطرف کرد.

داود صافی، نایب رئیس کمیسیون سرمایه‌گذاری و تأمین مالی اتاق بازرگانی اصفهان، با اشاره به تهدیدهایی که آینده فلات مرکزی ایران را تحت‌تاثیر قرار داده، گفت: باید اولویت‌ها را مشخص کنیم و توسعه دانش‌بنیان‌های صادراتمحور را در جایگاهی بالاتر از خود صادرات قرار دهیم.

او با انتقاد از سیاست‌های ارزی دو سال اخیر افزود: در این مدت میلیاردها دلار از بازار صادراتی کشور از دست رفت، زیرا صادرکنندگان به دلیل محدودیت در بازگشت ارز با نرخ واقعی، از ادامه فعالیت بازماندند.مهدی طغیانی، نماینده اصفهان در مجلس شورای اسلامی، صادرات و ارزآوری را مسأله‌ای مرتبط با امنیت ملی دانست و گفت: مجلس در حال پیگیری توافق تجارت آزاد با پاکستان و توسعه همکاری با اتحادیه اوراسیاست. وی افزود: بیش از ۶۰ درصد صادرات کشور شامل کالاهای خام و کم‌ارزش است و باید به سمت محصولات با ارزش افزوده بالا حرکت کنیم. اصلاح قانون مبارزه با قاچاق و حمایت از صادرکنندگان از اولویتهای کمیسیون اقتصادی مجلس است.

صادق کریمی، سرپرست اداره کل صنعت، معدن و تجارت استان اصفهان، اصفهان را پیش از عرضه تولید و صادرات دانست و گفت: مشکلات بانکی و ترخیص کالا در حال پیگیری است و نتایج به‌تدریج نمایان خواهد شد.



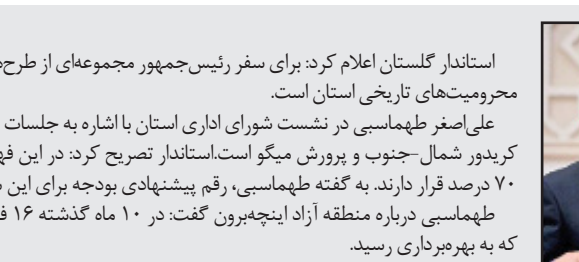
فاصله علم و تولید

بیتا حسن پور – صنایع به منظور کاهش هزینه‌های تولید، ارتقا، نوآوری و جذب نیروی کار ماهر نیازمند ار تباط با دانشگاه هستند. تولید دانش و تربیت نیروی ماهر هم بر عهده دانشگاه‌است.

دکتر علی اصغر طهماسبی در نشست شورای اداری استان

سال‌ها است که از ارتباط دانشگاه و صنعت صحبت می‌شود، اما در عمل این رابطه تقویت نشده است. صنعتگران می‌گویند ارتباط قاعده‌مندی بین دانشگاه و صنعت وجود ندارد و وضعیت فعلی مطلوب نیست. آنها می‌گویند اگر دانشگاه‌ها خروجی قابل قبولی ارائه دهند حاضر به صرف هزینه برای تقویت این پیوند هستند. فعالان اقتصادی با اشاره به صنایعی که ارتباط خوبی با دانشگاه برقرار کرده‌اند، از لزوم تغییر رویکردها صحبت می‌کنند و می‌گویند دانشگاه و صنعت باید نسبت به یکدیگر باور داشته باشند. یک استاد دانشگاه نیز با مروری بر وضعیت فعلی و واقعیت‌های صنایع و دانشگاه‌ها در کشور، ساختار این دو بخش را عامل شکاف بین آنها می‌داند و می‌گوید تا زمانی که تحولات بنیادین رخ ندهد، در بر همین پاشنه می‌چرخد و بخش صنعت و دانشگاه هر کدام جداگانه به روزمرگی خود ادامه می‌دهند.

در همین رابطه، علی اصغر جمعه‌ای، عضو هیات نمایندگان اتاق ایران در گفت‌وگو با «دنیای اقتصاد» گفت: رابطه سیستماتیک بین دانشگاه و صنعت وجود ندارد. هرچند رابطه عملیاتی چندانی هم وجود ندارد، با این حال ارتباط صنعت و دانشگاه نسبت به سال‌های گذشته بسیار تفاوت کرده و این ارتباط بهتر و بیشتر شده است. این روند حتی در حوزه گردشگری و کشاورزی نیز مشهود است. جمعه‌ای توضیح داد: استادان دانشگاه با صنایع همکاری دارند، اما هنوز ارتباط بین صنایع و دانشگاه‌ها در قالب تفاه‌نامه‌ها ایجاد نشده است. با وجود اینکه ارتباط بین این دو بخش تقویت شده، اما رابطه بین دانشگاه و صنعت همچنان مطلوب نیست. فعالان اقتصادی



طی رویدادی در اصفهان از صادرکنندگان نمونه استان تقدیر شد. در این رویداد که جمعی از فعالان اقتصادی، مدیران استانی و ملی و نمایندگان بخش خصوصی حضور داشتند بر ضرورت بازطراحی سیاست‌های ارزی و تجاری، حمایت از صادرکنندگان و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در توسعه صادرات تاکید شد.

در این رویداد همچنین بر نقش محوری صادرکنندگان در رشد اقتصادی و حفظ جایگاه ایران در بازارهای بین‌المللی، توسعه تجارت دانش‌بنیان و تسهیل مقررات ارزی و گمرکی تاکید شد.

امیر روشن‌بخش، معاون ارتقای کسب‌وکارهای بین‌المللی سازمان توسعه تجارت ایران در این نشست با قدردانی از تلاش فعالان اقتصادی گفت: ارز باید ابزار توسعه تجارت باشد، نه وسیله‌ای برای تنظیم بازار. نگاه نادرست به ارز روند صادرات را مختل کرده و ناهماهنگی میان سیاست‌های بانکی و تجاری نیز موجب فاصله قیمتی در صادرات و واردات شده است.

وی تاکید کرد: صادرات فعلی کشور عمدتاً سنّتی و مبتنی بر تجربه فردی است. دستیابی به رشد پایدار نیازمند سیاستگذاری علمی و حمایتی در حوزه ارزی و تجاری است تا صادرات نقش واقعی خود را در توسعه اقتصادی ایفا کند. مهدی جمالی‌نژاد، استاندار اصفهان، صادرکنندگان را پرچمداران واقعی اقتصاد کشور دانست و گفت: با وجود تحریم‌ها و محدودیت‌ها، این فعالان با جسارت نام ایران را در بازارهای جهانی زنده نگه داشته‌اند.

او کمبود زیرساخت‌ها و مشکلات ارزی را از مهم‌ترین موانع دانست و تاکید کرد: با هم‌افزایی دولت، مجلس و بخش خصوصی می‌توان این چالش‌ها را برطرف کرد. به گفته استاندار، استفاده از هوش مصنوعی، واقعیت افزوده و پلتفرم‌های تخصصی صادراتی، مسیر بازاریابی و فروش محصولات اصفهان را متحول خواهد کرد.

طی رویدادی در اصفهان از صادرکنندگان نمونه استان تقدیر شد. در این رویداد که جمعی از فعالان اقتصادی، مدیران استانی و ملی و نمایندگان بخش خصوصی حضور داشتند بر ضرورت بازطراحی سیاست‌های ارزی و تجاری، حمایت از صادرکنندگان و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در توسعه صادرات تاکید شد.

در این شرایط سفر به منطقه‌ای که هوای پاک دارد می‌تواند در تغییر روحیه ساکنان این شهر اثرگذار باشد. با این حال در آبان تعطیلات مناسبتی نداریم و خبری از به سرانجام رسیدن تعطیلات دو روزه هم نیست. در این شرایط پیشنهاد ما سفری یک‌روزه در آخر هفته است. این سفر می‌تواند در بازایی انرژی برای شروع هفته کاری و تغییر روحیه خانواده‌ها موثر باشد.

خوشبختانه ازانس‌های گردشگری در سال‌های اخیر، این نیاز را به خوبی تشخیص داده و انواع و اقسام تورهای یک‌روزه را در برنامه‌های سفرشان گنجانده‌اند. هزینه این تورها از یک‌میلیون و ۴۰۰ هزار تومان به ازای هر گردشگر شروع شده و تا ۲ میلیون و ۱۰۰ هزار تومان افزایش می‌یابد. به این ترتیب یک خانواده سه نفره بین ۴ میلیون و ۲۰۰ هزار تا ۷ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان بایستی برای این سفر هزینه کند.

استان اصفهان یکی از مقاصد این تورهای یک‌روزه است. این تور به ازای هر گردشگر ۴ میلیون و ۱۰۰ هزار تومان هزینه دارد و حمل‌ونقل آن با اتوبوس ۴۴ نفره انجام می‌شود.گشت‌زنی در کویر ابوزید آباد، پیاده‌روی بر روی تپه‌های شُن روان ابوزیدآباد، دیدن کردن از شهر زیر زمینی «لویی»، یک وعده صبحانه و یک وعده ناهار جزو برنامه‌های این تور است.

پیش‌نیاز رشد و توسعه صنعت

علی نقیب، عضو هیات نمایندگان اتاق ایران نیز در گفت‌وگو با «دنیای اقتصاد» گفت: ارتباط دانشگاه و صنعت یک نیاز همیشگی است. در کشورهای توسعه‌یافته نوآوری و تحقیقات از طرف دانشگاه ارائه می‌شود و صنعت آن را تبدیل به محصول نوآورانه و ارزش‌آفرینی می‌کند. نقیب افزود: ارتباط بین دانشگاه و صنعت در کشور سال‌ها است وجود دارد. اما چون ساختار مشخص و هدفمندی وجود ندارد، در بعضی موارد مشکل ایجاد می‌شود و برخی پروژه‌ها نیمه تمام و ناقص می‌ماند. وی ادامه داد: به دلیل اینکه رابطه سیستماتیک بین دانشگاه و صنعت وجود ندارد و شاید دانشگاه به وظایف خود آگاه نباشد، صنعتگر تصور می‌کند اگر برای تقویت این ارتباط هزینه کند، سرمایه‌گذاری نکرده و به یک هزینه از دست رفته تبدیل می‌شود. متأسفانه این نگاه‌ها باعث شکل‌گیری وضعیت فعلی شده است.

عضو هیات نمایندگان اتاق ایران گفت: ارتباط بین صنعت و دانشگاه به رشد و توسعه صنعت در کشور منجر می‌شود. تحقق ارتباط بهتر بین این دو بخش نیازمند ساختار و هدفمندی است و باید از حالت‌های نمادین فاصله گرفت. در این زمینه می‌توان از کشورهای موفق در این حوزه الگوبرداری کرد و با توجه به مزیت‌های نسبی که ما در کشور داریم بسیار بهتر می‌توانیم نتیجه بگیریم.

دکتر علی اصغر طهماسبی در نشست شورای اداری استان

لزوم تغییر ساختار دانشگاه

وحید شقاقی شهری، عضو هیات علمی دانشگاه خوارزمی در گفت‌وگو با «دنیای اقتصاد» می‌گوید: دانشگاه‌ها با همان الگوهای ۵۰ سال گذشته مسیر را ادامه می‌دهند. هنوز این اتفاق رخ نداده که نهاد دانشگاه در کشور ما هم‌سو با صنعت، تحولات روز و فناوری در سطح جهان عمل کند. نظام دانشگاهی ما مبتنی بر حفظیات، نمره‌دهی و مدرک‌گرایی، مقاله‌محوری و ارتقای استادان حرکت می‌کند. درحالی‌که نظام نوین دانشگاهی باید خود را با انقلاب صنعتی سوم و چهارم در حوزه نانو فناوری، هوش مصنوعی، انقلاب ژنتیک و تحولات صنعتی نوینی که در حال رخ دادن است هم‌راستا کند. شقاقی شهری توضیح داد: نظام دانشگاهی باید با حرکت به سمت مساله‌محوری خود را مهیای حل مسائل کشور کند. از ساختار فعلی که مبتنی بر مقاله‌محوری و مدرک‌گرایی است باید عبور کنیم. نظام دانشگاهی باید مهارت و اندیشه‌ورزی در دانشجویان ایجاد کند و متناسب با تحولات روز فناوری عمل کند. تحقق این موضوع نیازمند یک دگرگونی اساسی در نظام دانشگاهی است. نظام فعلی با مولفه‌های کنونی نمی‌تواند خودش را با صنعت هم رستا کند.

دکتر علی اصغر طهماسبی در نشست شورای اداری استان

نظام صنعتی کهنه و فرسوده

شقاقی شهری در ادامه گفت: البته نباید یک‌طرفه به این موضوع نگاه کرد، یک جاده دوطرفه است. از یک طرف در ساختار دانشگاه مشکل داریم و نهاد دانشگاهی ما نسبت به تحولات شتابان جهان عقب مانده است. از طرف دیگر متأسفانه نظام صنعتی ما هم کهنه و فرسوده است. ساختار صنعتی ما با انقلاب صنعتی سوم و چهارم فاصله زیادی دارد. بخش خصوصی حاکم نیست و شاهد یک نظام صنعتی دولتی و شبه دولتی و غیررقابتی هستیم. عضو هیات علمی دانشگاه خوارزمی تصریح کرد: در بخش صنعت مسائل بنیادین داریم و نهاد دانشگاه هم فرسوده شده است. هیچ‌گونه ارتباط و زبان مشترکی بین این دو بخش ایجاد نشده و رابطه‌ای شکل نگرفته است.

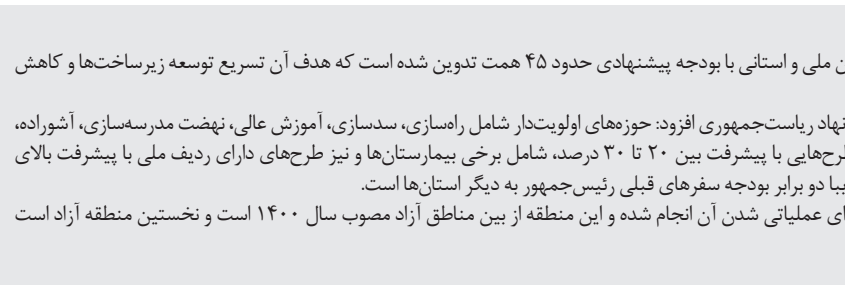
وی گفت: برای عبور از مولفه‌های نظام دانشگاهی قدیمی نیاز به دگرگونی اساسی داریم. مولفه‌های نهاد دانشگاهی باید بر پایه مساله‌محوری، مهارت‌آفرینی و کارآفرینی و متناسب با تحولات فناوری روز شکل گیرد. این اتفاق باید توسط وزارت علوم و شورای عالی انقلاب فرهنگی رخ دهد، اما متأسفانه این نهادها توان اصلاحات نهادی و ساختاری در نظام علمی کشور را ندارند و به این سمت حرکت نمی‌کنند. اهداف در حد شعار بیان می‌شود، اما در عمل چیزی ملموسی مشاهده نمی‌شود. شقاقی شهری تصریح کرد: نظام صنعت ما هم غیررقابتی، شبه دولتی و نمادین مطرح می‌است. نظام صنعتی مبتنی بر بخش خصوصی نداریم که طالب دانشگاه‌ها باشند. وقتی نظام صنعتی مبتنی بر رقابت باشد، به دنبال علم و تکنولوژی و دانش می‌گردد و وقتی که کهنه، غیررقابتی و دولتی باشد رغبتی برای اینکه به سمت علم و فناوری حرکت کند ندارد.

دکتر علی اصغر طهماسبی در نشست شورای اداری استان

ارتباط اجباری

این استاد دانشگاه بیان کرد: در نظامات صنعتی کشورهای پیشرفته، تیم تحقیق و توسعه آنها مداوم کار می‌کند. اگر یک روز این تیم که مرکز تحول و نوآوری صنعت است متوقف شود، آن صنعت عقب می‌افتد. آنها باید به طور مستمر هم‌راستا با تحولات روز حرکت کنند تا بتوانند در نظام رقابت جهانی باقی بمانند. به همین دلیل ناچار هستند که به دنبال دانش و فناوری باشند. در نظام صنعتی که شرایط غیر رقابتی حاکم است، مدیران طالب ادبیات روز دانش جهانی نیستند. دانشگاه‌ها هم متاع ارزشمندی برای عرضه ندارند و صنایع با نگرش کهنه خود پیش می‌روند. بنابراین هم دانشگاه و هم صنعت مشکل دارند و این ارتباط شکل نمی‌گیرد. حتی اگر این ارتباط شکل بگیرد، به اجبار است.

شقاقی شهری در پایان تاکید کرد: هم نظام علمی منسوخ شده هم نظام صنعتی مبتنی بر بخش خصوصی و رقابت نیست. کسانی که از ارتباط دانشگاه و صنعت صحبت می‌کنند، صحبت‌های شعارگونه و نمادین مطرح می‌کنند. ۴۰ سال است که این شعارها بیان می‌شود، اما در عمل اقدامی انجام نمی‌شود. باید هر دو بخش طالب هم باشند و محصولات خدماتی برای عرضه به یکدیگر داشته باشند. در حال حاضر نه دانشگاه می‌تواند خدمات خوبی ارائه کند و نه نظام صنعتی ما رقابتی و طالب علم است.



استاندار گلستان اعلام کرد: برای سفر رئیس‌جمهور مجموعه‌ای از طرح‌های کلان ملی و استانی با بودجه پیشنهادی حدود ۴۵ همت تدوین شده است که هدف آن تسریع توسعه زیرساخت‌ها و کاهش محرومیت‌های تاریخی استان است.

علی‌اصغر طهماسبی در نشست شورای اداری استان با اشاره به جلسات اخیر در نهاد ریاست‌جمهوری افزود: حوزه‌های اولویت‌دار شامل راه‌سازی، سدسازی، آموزش عالی، نهضت مدرسه‌سازی، آشوراده، کریدور شمال-جنوب و پرورش میگو است.استاندار تصریح کرد: در این فهرست طرح‌هایی با پیشرفت بین ۲۰ تا ۳۰ درصد، شامل برخی بیمارستان‌ها و نیز طرح‌های دارای ردیف ملی با پیشرفت بالای ۷۰ درصد قرار دارند. به گفته طهماسبی، رقم پیشنهادی بودجه برای این سفر تقریباً دو برابر بودجه سفرهای قبلی رئیس‌جمهور به دیگر استان‌ها است.

طهماسبی درباره منطقه آزاد ایچپه‌برون گفت: در ۱۰ ماه گذشته ۱۶ فرآیند برای عملیاتی شدن آن انجام شده و این منطقه از بین مناطق آزاد مصوب سال ۱۴۰۰ است و نخستین منطقه آزاد است که به بهره‌برداری رسید.

نمایندگان اتاق بازرگانی اصفهان نیز فضای مراسم تجلیل از صادرکنندگان را متفاوت توصیف کرد و گفت: در این فضا هر کالا و ایده‌ای اگر مسیر خود را درست پیدا کند، جای خود را در بازار جهانی باز خواهد کرد.

امینی با اشاره به اینکه نقطه امنی در بازار بین‌المللی وجود ندارد، افزود: هوش مصنوعی امروز بخشی جدایی‌ناپذیر از تجارت جهانی است و شرکت‌ها باید به‌صورت آگاهانه و هدفمند از آن بهره ببرند. وی تاکید کرد: موفقیت در صادرات پایانی ندارد و صادرکننده‌ای که در مسیر یادگیری، نوآوری و تحلیل مداوم بازار حرکت کند، آینده‌ای روشن خواهد ساخت.

سیدیوسف قاضی‌عسگر، رئیس کمیسیون صنایع غذایی و عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی اصفهان نیز با اشاره به اهمیت نقش صادرکنندگان گفت: صادرکننده موفق باید تراز تجاری را بشناسد و با چالش‌های واردات و مالیات آشنا باشد.

وی با تاکید بر گسترش همکاری‌های بین‌المللی افزود: افزایش روزهای کاری مشترک با کشورهای هدف به توسعه تجارت کمک می‌کند. همچنین با استفاده از ضمانت‌نامه‌های بانکی و تعامل سازنده با سازمان مالیاتی می‌توان موانع ارزش‌افزوده صادرکنندگان را برطرف کرد.

داود صافی، نایب رئیس کمیسیون سرمایه‌گذاری و تأمین مالی اتاق بازرگانی اصفهان، با اشاره به تهدیدهایی که آینده فلات مرکزی ایران را تحت‌تاثیر قرار داده، گفت: باید اولویت‌ها را مشخص کنیم و توسعه دانش‌بنیان‌های صادراتمحور را در جایگاهی بالاتر از خود صادرات قرار دهیم.

او با انتقاد از سیاست‌های ارزی دو سال اخیر افزود: در این مدت میلیاردها دلار از بازار صادراتی کشور از دست رفت، زیرا صادرکنندگان به دلیل محدودیت در بازگشت ارز با نرخ واقعی، از ادامه فعالیت بازماندند.

سیدیوسف قاضی‌عسگر، رئیس کمیسیون صنایع غذایی و عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی اصفهان نیز با اشاره به اهمیت نقش صادرکنندگان گفت: صادرکننده موفق باید تراز تجاری را بشناسد و با چالش‌های واردات و مالیات آشنا باشد.

وی با تاکید بر گسترش همکاری‌های بین‌المللی افزود: افزایش روزهای کاری مشترک با کشورهای هدف به توسعه تجارت کمک می‌کند. همچنین با استفاده از ضمانت‌نامه‌های بانکی و تعامل سازنده با سازمان مالیاتی می‌توان موانع ارزش‌افزوده صادرکنندگان را برطرف کرد.

داود صافی، نایب رئیس کمیسیون سرمایه‌گذاری و تأمین مالی اتاق بازرگانی اصفهان، با اشاره به تهدیدهایی که آینده فلات مرکزی ایران را تحت‌تاثیر قرار داده، گفت: باید اولویت‌ها را مشخص کنیم و توسعه دانش‌بنیان‌های صادراتمحور را در جایگاهی بالاتر از خود صادرات قرار دهیم.

او با انتقاد از سیاست‌های ارزی دو سال اخیر افزود: در این مدت میلیاردها دلار از بازار صادراتی کشور از دست رفت، زیرا صادرکنندگان به دلیل محدودیت در بازگشت ارز با نرخ واقعی، از ادامه فعالیت بازماندند.

مازندران از استان‌های جذاب برای سفر یک‌روزه است. گشت در بیلاق فیلیند و تماشای پدیده اقیانوس ابر، حدود ۲ ساعت دامنه‌گردی در شیب ملایم در مراغ فیلیند و یک وعده صبحانه، جزو برنامه‌های این تور است که هزینه آن به ازای هر توریست به یک‌میلیون و ۷۰۰ هزار تومان می‌رسد. این تور با اتوبوس ۴۴ نفره انجام می‌شود. تور دیگری به مقصد همین استان به ازای هر گردشگر یک‌میلیون و ۶۰۰ هزار تومان هزینه دارد. این تور هم با اتوبوس ۴۴ نفره انجام می‌شود و در برنامه‌های آن پیاده‌روی در جنگل‌های هیرکانی، گشت جنگل‌های بلیران، دهکده توریستی بلیران، پیمایش اختیاری آبگرم بلیران و یک وعده صبحانه گنجانده شده است.

گشت‌زنی جنگل‌های کلاردشت، پیمایش جنگل‌های پاییزی هیرکانی و یک وعده صبحانه جزو برنامه‌های تور سوم به مقصد استان مازندران است. این تور به ازای هر گردشگر یک‌میلیون و ۹۵۰ هزار تومان هزینه داردو رفت و آمد آن با مینی‌بوس انجام می‌شود.

تور چهارم به مقصد مازندران به ازای هر توریست، یک‌میلیون و ۷۰۰ هزار تومان هزینه دارد. این تور هم با اتوبوس ۴۴ نفره انجام شده و در برنامه‌های آن، جنگل پیمایی در جنگل‌های لفور، بازدید از هفت آبشار در منطقه جنگل سوادکوه و یک وعده صبحانه گنجانده شده است.

حدود سه ساعت جنگل پیمایی با شیب متوسط در جنگل‌های راش منطقه سنگده، مشاهده دورنمای قله نرو و یک وعده صبحانه جزو برنامه‌های پنجمین تور به مقصد استان مازندران است. این تور به ازای هر توریست یک‌میلیون و ۷۰۰ هزارتومان هزینه دارد و

مازندران از استان‌های جذاب برای سفر یک‌روزه است. گشت در بیلاق فیلیند و تماشای پدیده اقیانوس ابر، حدود ۲ ساعت دامنه‌گردی در شیب ملایم در مراغ فیلیند و یک وعده صبحانه، جزو برنامه‌های این تور است که هزینه آن به ازای هر توریست به یک‌میلیون و ۷۰۰ هزار تومان می‌رسد. این تور با اتوبوس ۴۴ نفره انجام می‌شود. گشت کوجه باغ‌های روستای طاد، دیدن کردن از شهر زیرزمینی تفرش، مجموعه تاریخی شش ناو، آتشکده کیوران و یک وعده صبحانه جزو برنامه‌های این تور است.

♥ فشار بر مسکو تا توازن با پکن
در ظاهر، تحریم‌های تازه علیه شرکت‌های بزرگ روسی مانند روس‌نفت و لوک‌ویل، نشانه‌ای از سختگیری است؛ اما در عمل، نحوه اجرای آنها بیابگر بازی دوطرفه آمریکا میان فشار بر مسکو و حفظ توازن با پکن است.

تحریم‌های کاغذی در ۲۲ اکتبر ۲۰۲۵ (۳۰ مهر ۱۴۰۴)، دولت ترامپ تحریم‌هایی را علیه دو غول انرژی روسیه، روس‌نفت و لوک‌ویل، اعلام کرد. هدف رسمی، کاهش درآمد نفتی کرملین بود؛ درآمدی که طبق گزارش صندوق بین‌المللی پول، سالانه بیش از ۵۰ میلیارد دلار از بودجه‌جنگ اوکراین را تأمین می‌کند، اما در دیدار یک‌هفته بعد ترامپ با رئیس‌جمهور چین در حاشیه اجلاس APEC در بوسان، رئیس‌جمهور آمریکا نفع‌تها از فشار مستقیم بر پکن برای توقف خرید نفت روسیه سخن نگفت؛ بلکه تأکید کرد چین «به‌صورت داوطلبانه خرید خود را کاهش داده‌است.» این موضع نرم، نشانه‌ای از تحریم بدون اج‌را بود؛ وضعیتی که بیشتر پیام سیاسی به بازار می‌فرستد تا اثر واقعی بر تجارت انرژی. درنتیجه، قیمت نفت که پس از اعلام تحریم‌ها افزایش‌یافته بود، به‌سرعت در محدوده ۸۲ تا ۸۵ دلار تثبیت شد.

ایالاتمتحده در این مرحله، میان دو الزام متضاد گرفتار است: از یک‌سو باید در سطح داخلی نشان دهد که علیه روسیه قاطع است و از سوی دیگر نمی‌تواند افزایش قیمت انرژی را تحمل کند؛ چراکه تورم سوخت به‌سرعت به ناراحتی‌های اجتماعی تبدیل می‌شود، به‌همین دلیل، کاخ‌سفید سیاستی دوجبهه‌ی را در پیش گرفته‌است: نمایش سختگیری برای مصرف سیاسی داخلی و انعطاف اقتصادی برای ثبات بازار جهانی. به‌گفته «برت اریکسون»، تحلیلگر موسسه Energy Aspects، «تحریم‌ها بدون اعمال فشار بر خریداران چینی و شبکه بانکی شرق، بیشتر حالت نمایشی دارد و به روسیه فرصت سازگاری می‌دهد.» این همان منطقی است که به تعبیر اقتصاددانان ژئوپلیتیک، «ژئواکونومی کنترل‌شده» خوانده می‌شود: کنترل بازار به‌جای تغییر رفتار بازیگران نقش‌چین، خریدار جهانی، شریک حسابگرچین در این میان، نقشی کلیدی دارد. پکن بزرگ‌ترین واردکننده نفت جهان است و بیش از ۳۰ درصد نفت روسیه را خریداری می‌کند. با وجود فشارهای لفظی واشنگتن، داده‌های گمرک چین نشان می‌دهد؛ واردات از روسیه در ماه سپتامبر تنها ۵ درصد کاهش یافته‌است. دلیل آن ساده است: چین از تخفیفی ۱۲ تا ۱۵ دلاری به ازای هر بشکه روس‌ها استفاده می‌کند و درعین‌حال با خرید محدود از آمریکا و عربستان، تعادل راهبردی در تأمین انرژی را حفظ می‌کند. واشنگتن نیز به‌خوبی می‌داند که فشار بیش‌ازحد بر پکن، می‌تواند به واکنش‌های تلافی‌جویانه در حوزه تجارت، فناوری یا فلزات نادر منجر شود. از این‌رو، آمریکا ترجیح می‌دهد به‌جای تهدید مستقیم، با ارسال سیگنال‌های سیاسی به بازار، جریان انرژی روسیه به شرق را «قابل‌مدیریت» نگه‌دارد.

نتیجه سیاسی، سیاستی، شکل‌گیری بازار کنترل‌شده‌ای است که در آن تحریم‌ها بیشتر نقش تنظیم‌کننده روانی دارند تا مانع واقعی. تحلیل بلومبرگ نشان می‌دهد؛ صادرات نفت روسیه در سه هفته پس از تحریم، تنها ۳ درصد کاهش‌یافت و بخش عمده‌ای از آن از طریق شرکت‌های واسطه در سنگاپور و امارات ادامه یافت؛ این در حالی است که شرکت‌های آمریکایی صادرکننده گاز طبیعی مایع (LNG) از وضعیت جدید بیشترین بهره را برده‌اند.

صادرات LNG ایالاتمتحده به اروپا نسبت به سال ۲۰۲۱ بیش از دوبرابر شده و به‌گفته اداره اطلاعات انرژی آمریکا، «به عامل اصلی توازن جدید انرژی قاره اروپا تبدیل شده‌است.» به‌عبارت‌دیگر، هرچه فشار بر نفت روسیه بیشتر شود، سهم انرژی آمریکا در بازار جهانی افزایش می‌یابد؛ وضعیتی که هم به لحاظ سیاسی و هم اقتصادی مطلوب واشنگتن است.

رویکرد آمریکا در قبال روسیه و چین را می‌توان نمونه‌ای از تحریم‌های انتخابی دانست؛ تحریم‌هایی که نه با هدف توقف کامل جریان انرژی، بلکه برای شکل‌دهی به رفتار بازار و افزایش قدرت چانه‌زنی واشنگتن طراحی می‌شوند. به‌گفته «ریک ون نوسترند»، معاون پیشین وزارت خزانه‌داری آمریکا، «هدف نهایی، نشان‌دادن جدیت سیاسی بدون آسیب به قیمت جهانی است؛ تحریمی که بازار را تنظیم کند، نه آنکه آن را بشکند.» چنین سیاستی در بلندمدت به آمریکا اجازه می‌دهد که نقش تنظیم‌گر انرژی جهانی را حفظ کند؛ یا آنکه هزینه‌های اقتصادی تحریم‌های سختگیرانه را بپردازد. درواقع، واشنگتن به‌جای مهار کامل روسیه، به مدیریت تدریجی آن در نظم انرژی بسند کرده‌است. در کوتاه‌مدت، روسیه با وجود تخفیف‌های نفتی، توانسته بخشی از درآمد خود را حفظ کند؛ اما در بلندمدت، تکیه بر چین و هند موقعیت راهبردی مسکو را تضعیف می‌کند.

در مقابل، آمریکا با افزایش صادرات انرژی و حفظ نقش تعیین‌کننده در قیمت جهانی، برنده نسبی این توازن پیچیده است. بااین‌حال، ثبات فعلی شکننده است. هرگونه تشدید جنگ در اوکراین یا اقدام چین در حوزه فلزات نادر می‌تواند این نظم شکننده را برهم بزند. بازی دوطرفه‌ای واشنگتن، اگرچه تاکنون موفق بوده، اما نیازمند ظرفیتی مداوم میان فشار ژئوپلیتیک و مصلحت ژئواکونومیک است.

در آن زمان تولید نفت چین طی سه سال حدود ۱۲درصد کاهش یافت. شی‌چین‌پینگ، رئیس‌جمهور چین، در سال۲۰۱۸ دستور صریح داد: تولید نفت و گاز باید افزایش یابد، به هر قیمت، پس از آن، سرمایه‌گذاری‌های داخلی رکورد زد. شرکت پترولیوم چین در سال۲۰۱۹ هزینه سرمایه‌ای خود را ۱۶درصد افزایش داد. شرکت‌های سینوپک و CNOOC نیز بیش از ۲۰ درصد بر بودجه اکتشاف خود افزودند.

این هم‌زمان شد با افزایش قیمت نفت در جهان پس از جنگ اوکراین که باعث شد این شرکت‌ها نه‌تنها از بحران عبور کنند، بلکه در سال‌های ۲۰۲۲ تا ۲۰۲۴ رکورد سودآوری را ثبت کنند. در همین‌مدت، چین نه‌تنها میدان‌های هیدروکربنی قدیمی را احیا کرده، بلکه به‌دنبال منابع جدید رفته‌است؛ تولید نفت و گاز از شیل، تزریق CO۲ برای افزایش برداشت، حفاری‌های فوق‌عمیق نزدیک به ۱۰ هزار متر و توسعه عظیم میدانین دریایی. امروز، پنجاه سال پس از اولین صعود بزرگ نفتی چین، منطقه بوهای در دریای چین شمالی به بزرگ‌ترین قطب تولید نفت این کشور تبدیل شده؛ جایی‌که روزانه بیش از ۶۵۰ هزار بشکه نفت تولید می‌شود.

معنای این تحولات برای ایران

این پرسشی کلیدی برای اقتصاد انرژی ایران است؛ کشوری که چین طی دو دهه‌گذشته یکی از مهم‌ترین مشتریان نفت آن بوده‌است. تحول انرژی چین می‌تواند سه تأثیر مهم بر ایران داشته‌باشد:

۱. کاهش تدریجی وابستگی چین به نفت وارداتی

چین هرچند همچنان بزرگ‌ترین واردکننده نفت دنیاست، اما با افزایش ظرفیت داخلی، بخشی از واردات خود را کاهش خواهد داد. این امر به‌خصوص بر کشورهایی که نفت آنها ریسک سیاسی یا تحریمی دارد (از جمله ایران) اثر خواهد گذاشت. گرچه ایران با ایجاد سیاست‌های قیمتی جذاب و مسیرهای «غیررسمی» توانسته صادرات خود به چین را حفظ کند، اما در بلندمدت رقابت سخت‌تر خواهدشد.

۲. توجه چین به امنیت انرژی داخلی، نه توسعه سرمایه‌گذاری خارجی

طی سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۵ شرکت‌های چینی بازیگران پررنگی در پروژه‌های نفت و گاز ایران بودند، اما اکنون که پکن صدهامیلیارد دلار را داخل خاک خود خرج می‌کند، اولویت‌گذاری برای سرمایه‌گذاری خارجی کاهش یافته‌است. پروژه‌های بزرگی مثل آزادگان‌شمالی و یادآوران که زمانی مقصد سرمایه چین بودند، اکنون در حاشیه قرار گرفته‌اند.

۳. تقویت موقعیت چین در مذاکرات انرژی

وقتی پکن به سمت خودکفایی بیشتر می‌رود، قدرت چانه‌زنی‌اش افزایش می‌یابد، در نتیجه ایران برای حفظ و گسترش بازار خود در چین باید استراتژی‌های هوشمندانه‌تری را اتخاذ کند؛ از جمله تنوع قرارداده‌ا، انعطاف قیمتی و استفاده از ظرفیت‌های پتروشیمی، LPG و گاز طبیعی در سبد صادراتی.

چین امروز در نقشه انرژی جهان جایگاهی فراتر از یک مصرف‌کننده بزرگ دارد و به یک تولیدکننده اثرگذار تبدیل شده‌است. این کشور اکنون در تولید نفت در رتبه هفتم جهان ایستاده و حتی از بسیاری از اعضای اوپک پیشی‌گرفته، درحالی‌که در تولید گاز رتبه چهارم را در اختیار دارد. طی ۱۰سال گذشته، تولید نفت چین حدود ۱۲درصد افزایش‌یافته و تولید گاز آن بیش از ۵۰درصد رشد کرده‌است. همچنین شرکت CNOOC، بازیوی فراساحلی چین، از سال ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۴ تولید دریایی خود را ۶۰درصد بالا برده است؛ مجموعه تحولاتی که نشان می‌دهد پکن با سرعتی فراتر از انتظار در حال تغییر توازن سنتی بازار انرژی جهان است.

تأثیری که از نگاه اول دیده نمی‌شود

پکن در حال ایجاد چیزی است که شی‌چین‌پنگ آن را «کاسه برنج انرژی» می‌نامد؛ یعنی اتکای حداکثری به توان داخلی برای تأمین انرژی کشور. در چنین چارچوبی، چین در سال‌های آینده به‌جای رشد انفجاری واردات، بر تثبیت تولید داخلی تمرکز خواهد کرد. نفت احتمالاً به سطحی ثابت می‌رسد اما گاز همچنان رشد خواهد کرد. همین تغییر جهت چین، در سطح جهانی نیز تأثیر دوگانه‌ای دارد: از یک‌سو امنیت انرژی چین تقویت می‌شود و آسیب‌پذیری آن دربرابر فشارهای آمریکایی کاهش می‌یابد؛ از سوی دیگر شرکت‌های غربی که روی بازار چین حساب کرده‌بودند، مجبور به بازنگری در استراتژی‌های خود خواهند شد.

و ایران در این میان؟

اگر ایران بتواند نگاه چین به انرژی را درست بخواند، این تحولات الزاما به‌معنای کاهش نقش ایران نیست؛ بلکه فرصت‌هایی تازه نیز ایجاد می‌شود. چین در دهه‌ایندۀ برای گاز، محصولات پتروشیمی، نفت سنگین و قیر همچنان به واردات وابسته است. از طرفی تنوع عرضه برای پکن همچنان یک اصل‌است و ایران، به‌ویژه در شرایط تحریم روسیه، می‌تواند یک «آمین‌کننده قابل‌اعتماد بلندمدت» باشد، اما واقعیت این است که چین دیگر مانند گذشته تشنه واردات نیست.

بازار آینده پکن، بازار رقابتی‌تر، حرفه‌ای‌تر و سختگیرتر است. ایران اگر بخواهد جایگاه خود را تثبیت کند، باید با شرایطی به‌روز، قراردادهای منعطف و سرمایه‌گذاری مشترک وارد شود. سرمایه‌گذاری ۴۷۰ میلیارد دلاری چین در نفت و گاز تنها یک پروژه اقتصادی نیست؛ بازرطراحی توازن قدرت انرژی در جهان است. کشوری که زمانی موتور تقاضا بود، اکنون با سرعت به سمت تولید بیشتر، کنترل داخلی و فناوری‌های پیشرفته حفاری می‌رود.

برای ایران، این یک هشدار و یک فرصت هم‌زمان است. هشدار از این جهت که بازار آینده چین دیگر آسان و قابل‌پیش‌بینی نخواهد بود و فرصت از آن جهت که هنوز هم ایران می‌تواند در سبد انرژی چین جایگاهی پایدار داشته‌باشد؛ اگر که راهبرد خود را با واقعیت‌های جدید چین تنظیم کند. در جهانی که بازیگران قدیمی انرژی دوره‌ای تازه را آغاز کرده‌اند، بی‌تفاوتی بزرگ‌ترین هزینه است.

به گزارش روابطعمومی شرکت ملی پخش فراآورده‌های نفتی ایران، در ادامه برنامه‌های توسعه‌ای دولت چهاردهم برای بهینه‌سازی مصرف سوخت و گسترش استفاده از سل‌جی، دو قرارداد جدید برای تولید مخزن از ورق و تبدیل ۴۵هزار خودروی بنزینی به دوگانه‌سوز میان این شرکت و شرکت‌های داش‌ینیان داخلی منعقد شد. سعید رحمان‌یلاری گفت: هم‌زمان با افتتاح هشت باب جایگاه جدید عرضه سل‌جی در استان‌های اصفهان، گیلان، آذربایجان‌شرقی، آذربایجان‌غربی، سیستان و بلوچستان، خراسان‌رضوی و تهران، قرارداد تولید مخزن از ورق و تبدیل ۲۵هزار خودروی بنزینی به دوگانه‌سوز با یک شرکت داش‌ینیان اصفهانی به امضا رسید. ارزش این قرارداد ۱۳ میلیون دلار است و اجرای آن منجر به صرفه‌جویی سالانه بیش از ۹۱میلیون لیتر بنزین خواهدشد.رحمان‌یلاری افزود: در رویدادی دیگر، قرارداد تبدیل ۱۰هزار خودروی بنزینی به دوگانه‌سوز با استفاده از کیت گازسوز نسل چهارم با شرکتی در قم امضا شد. ارزش این قرارداد ۱۰ میلیون دلار است و اجرای آن نیز موجب صرفه‌جویی سالانه بیش از ۷۰میلیون لیتر بنزین می‌شود. وی اظهار کرد: به این‌ترتیب، مجموع دو قرارداد جدید به سرمایه‌گذاری ۲۳میلیون دلاری و صرفه‌جویی سالانه حدود ۱۶۱ میلیون لیتر بنزین منجر خواهدشد.

سه‌ضلعی انحصار در بازار خودرو



برخلاف تمام شعارها درباره «افزایش تولید داخلی» یا «توسعه واردات برای ایجاد رقابت»، مسیر واقعی صنعت خودرو به سمت دیگری رفته‌است به‌طوری‌که اغلب شرکت‌های فعال در این حوزه، بخش عمده منابع مالی، ارزی و انسانی خود را صرف پروژه‌های مونتاژی کرده‌اند؛ پروژه‌هایی که در آن قطعات نیمه‌ساخته از چین وارد می‌شود و پس از سرهم‌بندی در خطوط تولید داخلی، روانه بازار می‌گردد. به گفته یک کارشناس خودرویی، این گرایش گسترده به مونتاژ نه اتفاقی و نه صرفاً بر اساس منافع تجاری شرکت‌هاست؛ بلکه بازتابی از ترکیب سیاست، رانت و تصمیمات متغیر است.

از دید سیاستگذاران، مونتاژ بنوعی «قطعه تعادل» میان سه هدف ظاهراً متناقض است: کاهش فشار بر منابع ارزی، حفظ ظاهر تولید در داخل کشور و در عین‌حال تأمین نیاز بازار به خودروهای به‌روزتر، اما در عمل، این «تعادل» چیزی جز تداوم وابستگی و تثبیت حلقه بسته تصمیم‌گیری در صنعت خودرو نیست. برای درک چرایی تمرکز بر مونتاژ، باید سه عامل اصلی در این زمینه را بررسی کرد که در کنار هم ساختار کنونی را توضیح می‌دهند: سیاسی، اقتصادی و ساختاری.

نخستین عامل، ماهیت سیاسی روابط اقتصادی ایران با چین است. در سال‌های اخیر، چین نه‌تنها شریک تجاری اصلی ایران در نفت و کالاهای اساسی بوده، بلکه به یکی از معود دروازه‌های باقی‌مانده برای تعامل صنعتی نیز بدل شده‌است. همکاری در حوزه خودرو نیز از همین مسیر پیش‌می‌رود. احتمال دارد از دید سیاستگذاران گسترش مونتاژ خودروهای چینی، نوعی امتیاز سیاسی نیز محسوب شود.

چین نیز با آگاهی از این وابستگی، بازار ایران را به‌عنوان میدان مناسبی برای توسعه برندهای درجه دو و سه خود می‌بیند؛ برندهایی که در بازارهای رقابتی‌تر جهان شانس چندان‌ی ندارند، اما در فضای محدود و کنترل‌شده ایران می‌توانند جای پای مطمئنی پیدا کنند.

در نتیجه مونتاژ خودروهای چینی به‌جای تولید مشترک یا انتقال فناوری واقعی، عملاً تنها به تسخیر بازار خود می‌پردازد.

از همین زاویه است که سیاستگذاران نیز به‌جای توسعه واقعی تولید، از مسیر مونتاژ



امپراتوری جدید انرژی در شرق

لیلا جلیلویند – چین که بزرگ‌ترین مصرف‌کننده و واردکننده انرژی جهان است، امروز بیش از هر زمان دیگری در تلاش است وابستگی خود به منابع خارجی را کاهش دهد.

پکن طی پنج سال‌اخیر با تغییر راهبرد انرژی، مسیر خودکفایی حداکثری را درپیش گرفته و تنها از سال۲۰۱۹ تاکنون، سه غول نفت و گاز این کشور (پترولیوم چین، سینوپک و CNOOC) نزدیک به ۴۶۸میلیارد دلار صرف عملیات اکتشاف و حفاری کرده‌اند؛ رقمی که حتی از سرمایه‌گذاری شرکت‌هایی مانند آرامکو، اکسون‌موبیل و شل نیز پیشی گرفته‌است. نتیجه این هزینه‌کرد عظیم، بازگشت رشد به تولید داخلی و تبدیل‌شدن چین به یکی از اثرگذارترین تولیدکنندگان نفت و گاز جهان است؛ در شرایطی که دیگر نمی‌توان مانند گذشته، بازار انرژی را صرفاً بر اساس اتکای جهان به تقاضای چین تحلیل کرد.

در این میان، یکی از نمادهای این تغییر بزرگ، نه در اتاق‌های سیاستگذاری پکن بلکه در دل آب‌های شمال‌شرقی چین دیده می‌شود. حدود ۲۰کیلومتر دورتر از بندر تیانجین، سازه‌ای عظیم از دل دریای بوهای سربرآورده است؛ سکوی ۱۱–CEPJ واقع در میدان نفت و گاز «کانوئیدیان». این سازه تنها یک سکوی فراساحلی نیست؛ بلکه نشانه‌ای عینی از پروژه‌ای است که ارزش امروز آن از ۴۷۰میلیارد دلار فراتر رفته و پیامش برای جهان روشن است: چین می‌خواهد بر شریان حیاتی انرژی خود کنترل بیشتری داشته‌باشد و وابستگی‌اش را به حداقل ممکن برساند.

بازاری که تغییر می‌کند

در دهه‌گذشته، اقتصاد جهانی به یک حقیقت عادت کرده‌بود: بیش از ۶۰درصد رشد تقاضای جهانی نفت از سوی چین می‌آمد. همین روند شرکت‌های بزرگ نفتی جهان را به سمت سرمایه‌گذاری‌های هنگفت در LNG و پروژه‌های گاز طبیعی سوق داد. برای مثال شل، پیش‌بینی می‌کرد تقاضای گاز چین تا ۲۰۴۰ حدود ۶۰درصد افزایش یابد. آرامکو نیز چین را «بازار تضمین‌شده آینده» می‌نامید، اما تصویر امروز متفاوت است. رشد اقتصادی چین کندشده، خودروهای الکتریکی سهم بیشتری از بازار را گرفته‌اند و مهم‌تر از همه تولید داخلی نفت و گاز سرعت گرفته‌است.

تحلیلگران موسسه برنستین انتظار دارند تا پایان دهه‌جاری تولید داخلی گاز چین از رشد تقاضا پیشی بگیرد؛ اتفاقی که اشتباهی چین برای واردات LNG را به‌طور جدی کاهش می‌دهد. این تحول یک پیام عمده دارد: وابستگی جهان به بازار انرژی چین کاهش یافته و معادلات قدرت در بازار جهانی نفت و گاز در حال دگرگونی است.

چین چگونه به این نقطه رسید؟

ریشه این رویکرد تازه به دهه‌های گذشته بازمی‌گردد. از دهه ۱۹۵۰ و پس از جدایی از شوروی، ذهنیت «اتکانشدن به بیرون» در سیاستگذاران انرژی چین نهادینه شد. کشف و توسعه میدان‌های نفتی قدیمی مانند «داکینگ» نماد همین نگاه بودند. توسعه داخلی، تکیه بر مهارت‌های بومی و ایستادگی دربرابر فشار خارجی، اما بحران سال ۲۰۱۶، زمانی که تولید برخی میدانین نفت و گاز چین به دلیل هزینه بالا و قیمت پایین نفت بی‌صرفه شد، زنگ خطر جدی‌تری را به‌صدادراورد.



امضای دو قرارداد جدید برای تولید مخزن و تبدیل ۴۵هزار خودروی بنزینی به دوگانه‌سوز

نگاهی به لیست بزرگ‌ترین شرکت‌های خودرویی گویای این مساله است که تولید، مونتاژ و واردات به‌طور مشترک و همگی در دست چند شرکت محدود قرار دارد به‌طوری‌که سیاستگذاران خودرو با سپردن تولید، مونتاژ و واردات به‌دست چند شرکت محدود، در اصل حلقه‌ای از انحصار را تشکیل داده‌اند که رقابت در آن معنایی ندارد.

سه‌ضلعی انحصار در بازار خودرو

یکی از نکات پرتکرار در بحث‌های اقتصادی و رسانه‌ای، تقسیم‌باز بین واردات، تولید و مونتاژ خودرو است. به‌طور مداوم این موضوع مطرح می‌شود که ارز واردات به مونتاژ اختصاص‌یافته یا ارز کالفی به تولید خودرو داده نمی‌شود. در ظاهر، این مساله به شکل یک رقابت بین بخش‌های مختلف مطرح می‌شود، اما وقتی همین شرکت‌ها که در تولید و مونتاژ خودرو فعالیت دارند، واردات را نیز انجام می‌دهند، این بحث‌ها بیشتر ماهیتی نمایشی پیدا می‌کند. بدین‌ترتیب در عمل، تصمیم‌گیری درباره نحوه تخصیص ارز محلی از اعراب نادر و همتان شرکت‌های محدود که سال‌ها ذی‌نفع رانت بوده‌اند، از ر دریافت می‌کنند و آن را به تولید، مونتاژ یا واردات اختصاص می‌دهند.

ریشه وضعیت کنونی به دهه‌ها سیاستگذاری اقتصادی بازمی‌گردد؛ جایی‌که دولت با تخصیص رانت، تخصیص ارز، تسهیلات ویژه و محدودیت ورود رقبا، چند شرکت محدود را به‌عنوان ستون‌های اصلی صنعت خودرو ایجاد و تقویت کرد. این شرکت‌ها بدون برخورداری از شرایط رقابت واقعی، رشد کردند و توانستند بخش‌اعظم تولید، مونتاژ و واردات خودرو را در اختیار بگیرند، اما نکته کلیدی این است که با وجود این مساله، کنترل واقعی بازار و قدرت تصمیم‌گیری کلان، همچنان در اختیار دولت باقی مانده‌است؛ در واقع شرکت‌ها ابزارهایی هستند که دولت از طریق آنها عرضه خودرو را مدیریت می‌کند، قیمت‌ها را تحت‌نظارت دارد و تخصیص ارز و منابع مالی را کنترل می‌کند.

موضوع قیمت‌گذاری دستوری نیز به پیچیدگی این حلقه اضافه می‌کند. دولت قیمت

خودروها را تعیین می‌کند و شرکت‌ها موظف به رعایت آن هستند. به ظاهر این سیاست

با هدف حمایت از مصرف‌کننده و کنترل تورم اعمال می‌شود، اما اثر اصلی آن تقویت

انحصار شرکت‌های محدود است. وقتی قیمت‌ها دستوری باشد، هیچ شرکتی نمی‌تواند با

پایین‌آوردن قیمت یا نوآوری محصول، سهم بازار خود را افزایش دهد، در نتیجه فشاری که

باید منجر به بهبود کیفیت، افزایش تنوع و نوآوری شود، عملاً از بین می‌رود، بنابراین همین

حلقه محدود نیز اساساً توان اینکه محصول باکیفیتی به مصرف‌کننده ارائه دهند، ندارد.

علاوه بر این، تبلیغات و بحث‌های رسانه‌ای در مورد ارز و واردات خودرو، گاه مخاطب

را به اشتباه می‌اندازد. در ظاهر، تصمیم‌گیری درباره تخصیص ارز بین واردات، مونتاژ و

تولید، هیچ فرآ پند مستقل و رقابتی است، اما در واقع، همان شرکت‌های محدود بازار

هستند که تعیین می‌کنند چه مقدار ارز به کدام بخش اختصاص یابد. این شرکت‌ها با

مدیریت تولید، مونتاژ و واردات، عملاً خود تصمیم‌گیرنده اصلی هستند و نقش رقابت در

تخصیص منابع ارزی تقریباً بی‌معنی می‌شود.

چرا مونتاژ؟

نگاهی به روند تحولات صنعت و بازار خودروی کشور در چند سال گذشته نشان می‌دهد؛

حذف فقرا از شبکه‌های خانگی

با رشد اینترنت پرسرعت و نفوذ گوشی‌های هوشمند وی‌اودی‌ها به یکی از شاخص‌های مهم دسترسی دیجیتال و تفریح خانوارها تبدیل شده‌اند. بررسی هزینه اشتراک نسبت به درآمد کاربران، حجم تولید محتوا و مدل‌های درآمدی پلتفرم‌ها نشان می‌دهد درحالی‌که بازار ایران در مسیر توسعه تولید محتوای اختصاصی قرار دارد، فاصله قابل‌توجهی با استانداردهای جهانی و منطقه‌ای مانند ترکیه و انگلیکس وجود دارد و موفقیت بلندمدت نیازمند سرمایه‌گذاری و سیاست‌های حمایتی هدفمند است.

تناسب خرید اشتراک

در سال‌های اخیر مصرف سرویس‌های ویدئو (VOD) به یکی از شاخص‌های مهم دسترسی دیجیتال و تغییر رفتار تفریح خانوارها تبدیل شده است. در این بین همزمان با رشد اینترنت پرسرعت و افزایش نفوذ گوشی‌های هوشمند پلتفرم‌های داخلی و خارجی تلاش می‌کنند با ارائه محتواهای متنوع و تولید اختصاصی کاربران بیشتری جذب کنند. بررسی نسبت هزینه اشتراک این سرویس‌ها به درآمد ماهانه کاربران به ویژه در میان گروه‌های با حداقل درآمد نشان‌دهنده میزان دسترسی و توان مالی کاربران برای بهره‌گیری از خدمات دیجیتال است و می‌تواند به عنوان معیاری برای تحلیل فشار اقتصادی و ظرفیت تولید محتوای بومی مورد استفاده قرار گیرد.

در این راستا بر اساس داده‌های موجود هزینه اشتراک سرویس‌های ویدئو در ایران با میانگین حدود ۱۹۰ هزار تومان در ماه معادل تقریبی ۱٫۶ درصد از حداقل حقوق ۱۲ میلیون تومانی کارگران است. در آمریکا نیز با فرض حداقل دستمزد فدرال ۷۷٫۲۵ دلار در ساعت و اشتراک استاندارد نتفلیکس به قیمت ۱۷٫۹۹ دلار، این نسبت به حدود ۱٫۴ درصد با درآمد ماهانه می‌رسد. از منظر عددی سهم هزینه اشتراک از درآمد در دو کشور نزدیک به نظر می‌رسد، اما تفاوت سطح دستمزد، قدرت خرید و هزینه‌های پایه زندگی می‌شود باعث می‌شود برادمت این سهم برای کاربران ایرانی فشار اقتصادی بیشتری ایجاد کند.

درحالی‌که در آمریکا تماشای استریمینگ بخشی از سبد تفریحات دیجیتال خانوار است، در ایران اشتراک VOD همچنان کالایی نیمه‌لوکس محسوب می‌شود و بسیاری از کاربران برای کاهش هزینه از اشتراک‌های گروهی یا تخفیف‌های فصلی استفاده می‌کنند. اما حالا سوال اینجاست که تولید محتوای وی‌اودی‌های داخلی در چه وضعیتی نسبت به پلتفرم‌های جهانی مانند نتفلیکس قرار دارد؟ این منظر تولید محتوا نتفلیکس به‌عنوان بزرگ‌ترین سرویس وی‌اودی جهان سالانه میلیاردها دلار برای تولید و خرید محتوا هزینه می‌کند و بیش از ۴ هزار عنوان تولید داخلی در فهرست خود دارد.

تنها در سال ۲۰۲۳ بیش از ۸۰۰ عنوان جدید شامل سریال، مستند و فیلم سینمایی منتشر شد و این پلتفرم در بیش از ۱۹۰ کشور فعالیت می‌کند و بیش از ۲۷۰۰ میلیون مشترک پرداختی دارد. در مقایسه پلتفرم‌های ایرانی با آرشوی بالغ بر ۹۵ هزار عنوان عمدتاً از طریق خرید حقوق پخش خارجی و تولید محدود داخلی فعالیت می‌کنند؛ بر اساس گزارش‌ها یکی از پلتفرم های اصلی در سال ۱۴۰۰ تنها حدود ۳۰ سریال جدید تولید کرده و سهم آن از بازار داخلی حدود ۶۵ درصد تخمین زده شده است. این آمار نشان می‌دهد بازار ایران در حال گذار از مرحله پخش‌کننده محتوا به تولیدکننده فعال است، اما فاصله قابل‌توجهی با استانداردهای جهانی دارد.

همچنین در این بین درحالی‌که سرویس‌هایی مانند نتفلیکس با سرمایه‌گذاری‌های چندمیلیارد دلاری سالانه به تولید سریال‌ها و فیلم‌های اختصاصی می‌پردازند پلتفرم‌ها داخلی ایرانی عمدتاً بر تولید محتواهای کم‌هزینه‌تر تمرکز دارند. بخش قابل‌توجهی از تولیدات داخلی شامل رئالیتی‌شوها، برنامه‌های سرگرمی کوتاه و محتواهای سبک شبکه‌های اجتماعی است که هزینه تولید پایین‌تری دارند و امکان جذب سریع مخاطب را فراهم می‌کنند. این رویکرد به پلتفرم‌ها اجازه می‌دهد ضمن مدیریت متنوع درآمدی استفاده می‌کنند. مهم‌ترین این روش‌ها شامل دریافت اشتراک ماهانه یا سالانه از کاربران است که بخش عمده درآمد پلتفرم‌های جهانی و داخلی را تشکیل می‌دهد. برخی سرویس‌ها با همکاری با ارائه‌دهندگان اینترنت و ISPها قرارداد می‌بندند تا اشتراک‌های خود را به‌صورت بسته‌های ویژه همراه با اینترنت ارائه کنند این روش علاوه بر جذب کاربران جدید هزینه دسترسی را برای آنها کاهش می‌دهد. در کنار آن برخی پلتفرم‌ها درآمد قابل‌توجهی از فروش ترافیک مصرفی و پهنای باند دارند.



مهر «ساخت امارات» بر کالای ایرانی

عز شیا حسن پور – در سال‌های اخیر، پدیده صادرات مجدد یا ری‌اکسپورت کالاهای ایرانی به یکی از موضوعات مهم و راهبردی در تجارت خارجی کشور تبدیل شده است.

ایمن روند که عمدتاً با هدف عبور از محدودیت‌های تجریمی، جبران ضعف‌های ساختاری در برندسازی و استفاده از ظرفیت‌های تجاری کشورهای واسطه شکل گرفته، اکنون سهم قابل‌توجهی از صادرات غیرنفتی ایران را تحت‌تاثیر قرار داده است. بررسی‌ها و تجربه فعالان اقتصادی نشان می‌دهد که بخش مهمی از کالاهای ایرانی، به‌ویژه در حوزه میوه، خشکبار و زعفران، نه با نام و هویت تجاری ایران، بلکه پس از بسته‌بندی مجدد و تحت برند کشورهای ثالث وارد بازارهای جهانی می‌شوند. این وضعیت علاوه بر کاهش ارزش‌وری، موجب تضعیف جایگاه برند ایرانی و کاهش قدرت رقابت‌پذیری تولیدکنندگان داخلی در زنجیره ارزش جهانی شده است.

ری‌اکسپورت یا صادرات مجدد کالاهای ایرانی به این معناست که کالا ابتدا از ایران به کشور طرف معامله صادر و سپس از آن کشور به مقاصد دیگر ارسال می‌شود. محدودیت‌های ناشی از تحریم، دشواری نقل‌وانتقال پول، ضعف فناوری بسته‌بندی، هزینه‌های روبه‌افزایش حمل‌ونقل، پیچیدگی‌های اداری و نبود سیاست‌های حمایتی موثر از جمله عوامل کلیدی هستند که نقش تعیین‌کننده‌ای در گسترش ری‌اکسپورت ایفا می‌کنند. در کنار این چالش‌ها، برخی بازارهای هدف نیز همکاری با برند ایرانی را دشوار یا پرهزینه می‌دانند و ترجیح می‌دهند کالا از مسیر کشور ثالث دریافت شود. به همین دلیل، کشورهایی مانند امارات، ترکیه، آسیایا و افغانستان به نقاط اصلی برای بسته‌بندی مجدد و عرضه کالای ایرانی با نام‌های تجاری متفاوت تبدیل شده‌اند. در چنین شرایطی، مساله حفظ ارزش افزوده داخلی، افزایش جایگاه برند ایرانی و بازگشت سهم واقعی تولیدکننده از بازارهای بین‌المللی بیش از هر زمان دیگری اهمیت یافته است. توجه به این موضوع می‌تواند مسیر توسعه صادرات پایدار را هموار تر کند و جایگاه کالاهای ایرانی را در بازارهای جهانی تقویت سازد.

دلایل اصلی رشد صادرات مجدد

محمدرضا فاروقی، رئیس کمیسیون گمرک اتاق بازرگانی ایران، در گفت‌وگو با دنیای اقتصاد درباره فرآیند صادرات مجدد کالاهای ایرانی توضیح داد، ری‌اکسپورت یا صادرات مجدد کالاهای ایرانی به این معناست که کالا ابتدا از ایران به کشور طرف معامله صادر می‌شود و سپس از آن کشور به مقاصد دیگر ارسال می‌گردد. یکی از دلایل اصلی شکل‌گیری این فرآیند، موضوع برندینگ است. برای نمونه، برخی شرکت‌ها در حوزه میوه و خشکبار در کشورهای حاشیه خلیج فارس بر توسعه برند و شبکه خرده‌فروشی خود کار کرده‌اند. بنابراین، کالا را به‌صورت فله از ایران خریداری می‌کنند و پس از بسته‌بندی مجدد و اعمال ارزش افزوده، آن را با قیمت بالاتر به سایر بازارها می‌فروشند. دلیل دیگر، محدودیت در فروش مستقیم محصولات ایرانی به برخی بازارهای هدف است. ایران پیش‌تر در این کشورها سهم بازار داشت، اما به‌دلیل تحریم‌ها اکنون امکان عرضه مستقیم کالا با برند ایرانی وجود ندارد. ازاین‌رو، بخشی از صادرات ایران به‌صورت صادرات مجدد از طریق کشور ثالث انجام می‌شود.

فاروقی در پاسخ به این پرسش که ری‌اکسپورت معمولاً برای کدام کالاهای انجام می‌گیرد، گفت: این وضعیت در کالاهایی که بیشترین اثرپذیری از تحریم را دارند یا قابلیت ایجاد ارزش افزوده از طریق بسته‌بندی و خرده‌فروشی برای آن کالاها وجود دارد، بیشتر مشاهده می‌شود. در چنین شرایطی، تاجار ایرانی یک بازار هدف مشخص را شناسایی می‌کنند، اما به دلیل محدودیت‌های تحریمی امکان ارسال مستقیم کالا وجود ندارد. بنابراین، کالا به یک کشور ثالث صادر و پس از تغییر بسته‌بندی یا تغییر برند به مقصد اصلی ارسال می‌شود. گمرک ایران نیز برخی بخشنامه‌های حمایتی برای انجام بخشی از این عملیات در داخل کشور صادر کرده است، هرچند این موضوع همچنان محل بحث و اختلاف‌نظر است و اجرای آن با چالش‌هایی همراه است.



انجام نمی‌شود. همچنین، بازاریابی سنتی هم همچنان وجود دارد، که خود به صادرات زعفران یا نام برندهای ایرانی و پیدا کردن مشتری‌های وفادار به برند ایرانی در بازارهای جهانی آسیب وارد می‌کند. او افزود: صادرات سنتی بیشتر مورد حمایت دولت قرار دارد. چرا که هر ساله اکثر افراد بی‌معنواں صادرکننده نمونه انتخاب می‌شوند که به‌صورت خام و یا فله محصول خود را صادر کرده‌اند و به مواردی نظیر میزان ارزش‌وری، میزان اشتغال ایجادشده و میزان ارزش‌افزوده خلق‌شده توسط تولیدکننده توجهی نمی‌شود. بنابراین، متولیان امر باید انگیزه ایجاد کنند تا زعفران توسط صادرکننده با نام و نشان ایرانی صادر شود.

عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی ایران با اشاره به نقش بخش خصوصی و اتاق بازرگانی برای جلوگیری از کاهش صادرات مجدد کالاهای ایرانی و برندسازی در داخل ایران تصریح‌کرد: بخش خصوصی در این زمینه سرمایه‌گذاری‌های مختلفی انجام داده، اما بخش دولتی در این مسیر موانع متعددی ایجاد کرده که از جمله این موانع می‌توان به بحث بازگشت ارز و رفع تعهد ارزی اشاره کرد. اگر تولیدکنندگان و صادرکنندگان ایرانی بخواهند در زمینه صادرات زعفران تبلیغات و برندسازی انجام دهند، علاوه بر موانع خارجی، در داخل هم با محدودیت‌هایی روبه‌رو هستند.

او با اشاره به آینده تجارت زعفران با توجه به شرایط فعلی گفت: بخش عظیمی از زعفران ایران به افغانستان صادر و با نام برند این کشور وارد بازار جهانی می‌شود. به‌عنوان نمونه، تولید سالانه این کشور در محدوده ۲۰ تن در سال قرار دارد، اما میزان صادرات سالانه این کشور بیش از ۶۰ تن است. بنابراین، اگر صادرات با این روند پیش برود، قطعاً زعفران هم به سرنوشت فرش ایرانی دچار می‌شود. زعفران میراث ایرانیان است و کویرنشینان معیشت خود را با تولید و صادرات این محصول تامین می‌کنند. بنابراین، محدودیت‌های صادراتی باید رفع شوند.

ری‌برندینگ

مرتضی کوهنورد، عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی ایران، در گفت‌وگو با دنیای اقتصاد درباره علت صادرات مجدد کالاهای ایرانی و عرضه آنها با نام تجاری سایر کشورها توضیح داد: ری‌برندینگ این روزها به‌عنوان یکی از مدل‌های نوین کسب‌وکار در جهان مطرح است و فرصت‌هایی را برای توسعه برندها، افزایش رقابت‌پذیری و ورود به بازار جهانی فراهم می‌کند. با این حال، بخشی از کالاهای تولید داخل همچنان با برند ایرانی صادر می‌شوند، اما تحریم‌ها باعث شده حضور برندهای ایرانی در بسیاری از بازارها با دشواری همراه شود. به همین دلیل، برخی تولیدکنندگان کالا را با بسته‌بندی ساده و بدون نشان تجاری از کشور خارج می‌کنند تا آن کالاها در مقصد دوباره بسته‌بندی و صادر شوند. این روش با هدف کاهش اثرات تحریم‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. عامل دیگر به ظرفیت‌های خالی واحدهای تولیدی ایران بازمی‌گردد. برخی شرکت‌های خارجی برای حفاظت از سرمایه‌گذاری و جلوگیری از واگذاری بازار خود به تولیدکنندگان ایرانی، ترجیح می‌دهند کالا با برند ثبت‌شده خودشان تولید شود.

این رویه در بسیاری از کشورها مرسوم است.

او گفت: به‌طور طبیعی، هرچه تولیدکننده قدرتمندتر و دارای پشتوانه مالی بهتری باشد، امکان ایجاد دفاتر تجاری در خارج از کشور و فعالیت‌های تبلیغاتی برای برند خود را هم دارد. با این حال، تحقق این امر نیازمند ثبات تجاری، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی در کشور مبدأ است. در ایران به‌دلیل تحریم‌ها، ضعف روابط سیاسی و مشکلات زیرساختی، این ثبات فراهم نیست و بخش تولید با محدودیت مواجه می‌شود. در چنین شرایطی، همکاری با برندهای غیرایرانی می‌تواند بخشی از این محدودیت‌ها را کاهش دهد و امکان استفاده بهتر از ظرفیت‌های خالی را فراهم کند.

او در پاسخ به این پرسش که کالاهای ایرانی معمولاً در کدام کشورها دوباره بسته‌بندی یا لیبل‌گذاری می‌شوند، گفت: کالای ایرانی عمدتاً از طریق امارات به شرق آسیا و جنوب آفریقا صادر می‌شوند و از طریق ترکیه به شرق اروپا می‌رسند. بنابراین، بیشترین ری‌برندینگ در این دو مسیر انجام می‌شود. در بازارهایی مانند عراق و افغانستان به‌دلیل نزدیکی جغرافیایی و دسترسی آسان، بسیاری از همکاران تجاری از این کشورها در ایران حضور دارند و معاملات ربایی انجام می‌دهند.



بررسی‌ها نشان می‌دهد بخشنامه‌ها و آیین‌نامه‌هایی که از سوی نهادهای تصمیم‌گیر در حوزه تجارت خارجی تدوین و ابلاغ می‌شوند.

تحریم و خود تحریمی؛ سد راه صادرات
کوهنورد درباره تاثیر ری‌برندینگ در کاهش ارزش‌وری برای کشور تصریح کرد: ایران به‌دلیل تحریم‌ها و نبود برخی ارتباطات بین‌المللی، به‌ویژه عدم دسترسی به سیستم سوئیت، با مشکلات جدی در تجارت خارجی مواجه است. این شرایط باعث می‌شود که تاجار خارجی به دلیل دشواری در جابه‌جایی پول، تمایلی به همکاری با ایران نداشته باشند. از سوی دیگر، خرید کالاها با قیمت واقعی انجام نمی‌شود و مسیر پیچیده انتقال کالا و وجوه دریافتی، باعث کاهش تقریبی ۱۰ تا ۲۰ درصدی ارزش‌وری در صادرات می‌شود.

ایمن فعال بخش خصوصی درباره نقش سیاست‌ها و قوانین داخلی در صادرات کالاها با برندهای ایرانی تشریح کرد: زیرساخت‌های سیاسی و ارتباطات ایران در بحث تجارت جهانی محدود است و تحریم‌های داخلی، شامل موازین و مقررات پیچیده درباره صادرات، واردات، بازگشت ارز و رفع تعهدات ارزی برای صادرکنندگان، کار را بسیار دشوار کرده است. این مسائل باعث کاهش حضور ایران در بازار جهانی می‌شود و به تبع آن، کالاهای با هویت ایرانی کمتر در بازارهای خارجی دیده می‌شوند. او افزود: واقعیت این است که اگر موانعی نظیر بوروکراسی پیچیده اداری، تعرفه‌های بالا و شرایط سختگیرانه رفع شوند، حجم صادرات ایران می‌تواند حداقل ۲۰ تا ۵۰ درصد افزایش یابد. بازارهای صادراتی بسیاری از شرکت‌های ایرانی طی سال‌های گذشته به نصف یا حتی یک‌سوم کاهش پیدا کرده‌اند. رای مثال، شرکتی که قبلاً به ۳۰ تا ۴۰ کشور صادرات داشت، اکنون تنها به هفت تا ۱۰ کشور کالا صادر می‌کند. هرچند این به معنای از دست رفتن کامل بازارهای قبلی نیست، بلکه شرایط موجود عمدتاً به دلیل فعالیت واسطه‌ها ایجاد شده است.

این فعال بخش خصوصی درباره سهم کشورهای نظیر اسپانیا، ترکیه، امارات و عراق از ری‌برندینگ کالای ایرانی اظهار کرد: امارات و ترکیه در واقع از واسطه‌گری‌هایی که انجام می‌دهند، سهم قابل‌توجهی به دست می‌آورند. در اسپانیا، عمدتاً تمرکز بر گیاهان دارویی، به‌ویژه زعفران ایران است و این محصولات با برند اسپانیایی عرضه می‌شوند. بیشتر کالایی که به عراق صادر می‌شوند، برای مصارف داخلی مورد استفاده قرار می‌گیرد و موضوع ری‌برندینگ مطرح نیست.

اتاق بازرگانی؛ پل دولت و بخش خصوصی

این عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی ایران در پاسخ به این پرسش که نقش دولت، اتاق بازرگانی و بخش خصوصی در کاهش ری‌برندینگ کالای ایرانی چیست، عنوان کرد: بخش خصوصی با تلاش و پشتکار خود همواره نقش مهمی در رفع این چالش‌ها ایفا می‌کند و اتاق بازرانی، به‌عنوان بالاترین تشکل اقتصادی کشور، می‌تواند هم بازاری اجرایی دولت و هم سنگتوی بخش خصوصی باشد. دولت باید از تجربیات و پیشنهادات اتاق بهره ببرد و آنها را به‌خوبی اجرا کند. این شامل حذف قوانین و دستورالعمل‌های نامناسب در حوزه کسب‌وکار، اصلاح قوانین پایه‌ای و حمایت همه‌جانبه از بخش خصوصی است. اجرای موفقیت‌آمیز این موارد مستلزم ترکیبی از تخصص آکادمیک و تجربه عملی واقعی در تجارت، صنعت، معدن و کشاورزی است.

برآیند اظهارات فعالان اقتصادی و بررسی روندهای جاری نشان می‌دهد که گسترش صادرات مجدد کالاهای ایرانی بیش از آنکه ناشی از ضعف در تولید باشد، ریشه در محدودیت‌های ساختاری، تحریمی و نهادی دارد که مانع حضور مستقیم و موثر برند ایرانی در بازارهای جهانی شده است. سهم‌گیری کشورهای واسطه از ارزش افزوده کالاهای ایرانی، کاهش بازگشت ارز واقعی، تضعیف رقابت‌پذیری و حذف تدریجی نام ایران از زنجیره ارزش جهانی، از مهم‌ترین پیامدهای این روند است. در چنین فضایی، بازنگری در سیاست‌های تجاری، تسهیل قواعد اداری، حمایت واقعی از صنعت بسته‌بندی، تقویت زیرساخت‌های مالی و ایجاد ثبات در محیط کسب‌وکار، پیش‌شرط‌های ضروری برای جلوگیری از تداوم ری‌اکسپورت و بازگرداندن سهم ایران در بازارهای هدف به شمار می‌روند. تنها با هم‌افزایی دولت، بخش خصوصی و تشکل‌های تخصصی می‌توان مسیر حرکت از صادرات خام‌جور به صادرات برندمحور را تقویت کرد و جایگاه کالاهای ایرانی را در تجارت بین‌الملل ارتقا داد.

مدیرکل دفتر غرب آسیای سازمان توسعه تجارت ایران از توافق ایران و کویت برای توسعه روابط تجاری خبر داد. به گزارش روابط عمومی سازمان توسعه تجارت ایران، عبدالامیر ربیهاوی درباره سیزدهمین دوره کمیته مشترک بازرگانی ایران و کویت گفت: دوازدهمین دوره این کمیته در سال ۱۳۹۳ برگزار شده بود و طرف کویتی استقبال بسیار خوبی از برگزاری این دور به عمل آورد و به‌رغم چند بار تعویق، اصرار بر تشکیل آن داشتند. مدیرکل دفتر غرب آسیای سازمان توسعه تجارت ایران با اشاره به مزیت‌های جغرافیایی کویت برای ایران، گفت: فاصله کم دریایی بین بنادر ایران مانند آبادان و خرمشهر با کویت و همچنین وجود مرز زمینی از طریق شلمچه، انتقال کالا را بسیار تسهیل و ارزان می‌کند. ضمن آنکه کویت سالانه حدود ۲۸میلیارد دلار از جهان واردات دارد و می‌تواند بازار مناسبی برای کالای ایرانی باشد.وی مهم‌ترین دستاوردهای این دور از مذاکرات را امضای توافقنامه در پنج محور اصلی توسط مقامات دو کشور برشمرد و تصریح کرد: در بخش تجاری، اقتصادی و سرمایه‌گذاری، توافق شد نمایشگاه توانمندی‌های جمهوری اسلامی ایران در سال ۲۰۲۶ در کویت برگزار شود. همچنین طرف کویتی اعلام آمادگی کرد تا برای بازدید از نمایشگاه‌های ایران و مذاکره با مسوولان به ایران سفر کند.

افت ۵۲ درصدی آب تخصیصی به بخش کشاورزی

تشکیل سرمایه در بخش کشاورزی نیز یکی از دردها و چالش‌های اصلی این بخش است.نوری قزلبه در مورد الگوی کشت نیز عنوان کرد: تهیه این برنامه با دقت کارشناسی انجام گرفته و یک بار رفت و برگشت بین استان‌ها و شهرستان‌ها با مرکز انجام شده در راستای تنظیم دقیق‌تر و مجدداً استانداران نیز به عنوان رئیس ستادی استان‌ها و فرمانداران در شهرستان‌ها قیول مسوولیت کردند تا به این موضوع کمک شود چرا که موضوع بین دستگاهی است. وی تقیض موجود در الگوی کشت را ناشی از عدم ضمانت اجرایی دانست و ادامه داد: این موضوع صرفاً به مشق‌وقا و حمایت‌های دولت بازمی‌گردد.همچنین سنجه‌هایی که در آن عقب هستند به مواردی که نیاز به منابع دارد بازمی‌گردد، همچنین در حوزه آب و خاک نیاز به اعتبارات دارد، به عنوان مثال در قانون برنامه هفتم بخش آب و خاک به ۱۷۵ همت سرمایه‌گذاری و اعتبار نیاز دار، در حالی‌که اعتبار مصوب ۴٫۵ همت است.

نوری قزلبه درباره کوچکسازي و افزایش اثربخشي ساختار این وزارتخانه گفت: این کار با رویکرد کاهش ۲۰ درصدی حجم تشکیلات وزارت جهاد کشاورزی با حفظ استخوان‌پندی و تشکیلات اساسی وزارت جهاد کشاورزی نهایی شده و در حال انجام است. وزیر جهاد کشاورزی درباره چالش‌های موجود در مسیر اجرای برنامه هفتم گفت: کاهش ۴۰ درصدی بارش‌ها در کشور، کاهش آب تخصیصی به بخش کشاورزی از ۷۰میلیارد مترمکعب به ۴۶میلیارد مترمکعب مهم‌ترین مورد است به طوری که آبی که اکنون در دست بخش کشاورزی است، از نظر سنجه‌هایی که در برنامه هفتم گنجانده شده بسیار کمتر است.

عضو کابینه دولت چهاردهم با اشاره به بدهی ۵۵میلیارد دلاری به تامین‌کنندگان ادامه داد: این موضوع ناشی از انباشت حدود ۴ سال گذشته است، از دیگر چالش‌ها، افزایش نرخ ارز رسمی و غیررسمی ناشی از شرایط بین‌المللی و تحریم‌های ظالمانه و پایین بودن میزان

وزیر جهاد کشاورزی با بیان اینکه آب تخصیصی بخش کشاورزی از ۷۰میلیارد مترمکعب به ۴۶میلیارد متر مکعب رسیده است، گفت: سند الگوی کشت با وجود مشق‌وقای حمایتی، فاقد ضمانت اجرایی و بازدارنده است.

به گزارش ایرنا، غلامرضا نوری قزلبه روز شنبه در دومین روز جلسه مجلس شورای اسلامی درباره اجرای قانون برنامه هفتم اظهار کرد: حمایت از کشاورزان متناسب با میزان رعایت برنامه الگوی کشت که کل توزیع نهادهای بارانهای و همچنین خریدهای تضمینی انجام گرفته در قالب همین حکم قانون انجام می‌گیرد. وزیر جهادکشاورزی ادامه داد: انتقال تدریجی حمایت‌های بخش تولید محصولات کشاورزی به انتهای زنجیره تولید از دیگر احکام این برنامه است که این موضوع در مورد گندم به عنوان عمده و عدد اصلی حمایت در حال انجام است و در مورد باقی محصولات نیز در دست اقدام است.

